شخصیت‌شناسی

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام

برپایه کتاب و سنّت

مجید معارف

«ان الله عزوجل ليغضب لغضب فاطمة ويرضى لرضاها»



«فاطمة سيدة نساء اهل الجنة من الأولين والآخرين»

فهرست

دیباچه

حضرت فاطمه زهرا؟عها؟، دختر گرامی رسول خدا؟ص؟ و محبوب‌ترین انسان‌ها نزد پیامبر؟ص؟ است. او سرور بانوان دو عالم، معصوم از هر لغزش و خطا، معیاری برای تجلی رضا و خشم الهی، تجسم تقوا و معنویت، الگویی شایسته برای به کمال رسیدن انسان در دنیا و شفیعی دلسوز و مهربان برای نجات مؤمنان در آخرت است.

منبعی بهتر از قرآن و حدیث برای پی بردن به گوشه‌ای از مقام والای این بانو وجود ندارد. در قرآن سوره‌ای در مقام آن حضرت نازل شده و تأویل بسیاری از آیات بر آن حضرت منطبق است. در روایات نیز، به مقام‌های معنوی بی‌شمار ایشان اشاره شده است.

این نوشتار کوششی مختصر برای معرفی گوشه‌ای از شخصیت این بانوی بی‌بدیل است که با تکیه به آیات قرآن و روایات شیعیان و اهل سنت، به قلم محقق گرامی، دکتر مجید معارف نگارش شده و با اینکه مختصر است،

مطالب سودمندی دارد.

این کتاب، جزئیات زندگانی حضرت زهراؑ، و فضایل آن بزرگوار را به صورت گسترده بیان نمی‌کند و فقط مهم‌ترین فضایل بانوی دو جهان را با استفاده از آیات و روایات بازگو می‌کند.

امید است این نوشته، مورد توجه صاحب‌نظران قرار گیرد و برای شناسایی پاره‌ای از فضایل آن حضرت سودمند باشد.

در پایان، پژوهشکده حج و زیارت بر خود لازم می‌داند از زحمات مؤلف محترم و نیز، تمام کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کردند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه تاریخ و سیره

مقدمه

فاطمه زهرا علیهاالسلام کوچک‌ترین دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود و فضایلی داشت که دیگر فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن بی‌بهره بودند. شناخت این فضایل و علل اختصاص آنها به حضرت زهرا علیهاالسلام از موضوعاتی است که نظر هر انسانی را به خود جلب می‌کند. به‌خصوص که این فضایل، نقش مهمی در شناخت حضرت فاطمه علیهاالسلام دارند و شناخت آن حضرت نیز، زمینه مناسبی را برای الگوپذیری از ایشان فراهم می‌کند.

گستردگی فضایل حضرت فاطمه علیهاالسلام در منابع علمی، به‌ویژه در روایات اهل سنت، چشمگیر است. نمونه‌هایی از این روایات را در جوامع حدیثی، تفسیرهای روایی و کتاب‌های تاریخ و سیره می‌توان دید که بیانگر ابعاد گوناگون شخصیت بانوی برگزیده دو عالم است. بنابر این روایات، حضرت فاطمه علیهاالسلام کانون اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ ایشان، از هرگونه خطا معصوم، تداوم‌بخش نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله،

سرور زنان دو عالم، محبوب‌ترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، آگاه به حقایق دینی و در دفاع از رسالت و ولایت استوار بوده است. ازاین‌رو ایشان پیشوای مؤمنان و الگویی بسیار شایسته برای انسان‌ها، به‌ویژه بانوان است.

گفتنی است که این اثر، برگرفته از دو مقاله علمی است: مقاله نخست «سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن»[1] و مقاله دیگر، «شاخصه‌های ایمان در الگوی فکری ـ رفتاری حضرت فاطمه علیها السلام»[2] که با بازبینی کلی در مباحث، به‌ویژه با تقویت اسناد و افزودن مطالبی دیگر و نیز، اصلاح ساختار کتاب به‌گونه‌ای تازه عرضه می‌گردد. ضمن قدردانی از دست‌اندرکاران چاپ و انتشار این اثر، به خصوص ریاست محترم پژوهشکده حج و زیارت، امید است که خداوند این خدمت علمی را بپذیرد و همه ما را از موالیان اهل‌بیت علیهم السلام قرار دهد.

و من الله التوفیق

مجید معارف، دانشگاه تهران

زمستان ۱۳۹۱

---

۱. اولین بار در فصلنامه کتاب زنان به شماره ۳۹ به چاپ رسید.

۲. نخستین بار در همایش ابعاد شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام در معرض دید قرار گرفت و در مجله علمی المنهاج، به شماره ۱۰ ویژه‌نامه همین همایش به چاپ رسید.

گستره فضایل حضرت زهرا عليها السلام
در کتاب و سنت

فضایل حضرت زهرا عليها السلام در منابع گوناگون علمی وارد شده است که بررسی آنها ما را بـا جایگـاه آن بزرگـوار در آیات و روایات آشنا می‌کند. این منابع این‌گونه دسته‌بنـدی می‌شوند:

ـ تفاسیر اثری؛ در این تفاسیر، مفسر آیاتی را که درباره اهل‌بیت عليهم السلام یا حضرت فاطمه عليها السلام نازل شده و روایات شأن نزول این آیات را آورده است و گاهی درباره مضـمون آن آیات و سازگاری آن فضـایل بـا اهـل‌بیـت عليهم السلام ـ بـه‌ویـژه حضرت زهرا عليها السلام ـ بحث می‌کند.[1]

ـ جوامع بزرگِ حدیثی که در بیشتر آنها، بخـش‌هـایی بـا

---

۱. ر.ک: جـامع البیـان، طبـری، ج۶، ص۱۲؛ الـدّر المنثـور، سـیوطی، ج۶، ص۴۰۳؛ تفسیر القرآن العظـیم، ابـن کثیـر دمشـقی، ج۳، ص۴۹۳ و ج۴، صص ۵۹۶ ـ ۵۹۸؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایـات النازلـة فـی اهل البیت عليهم السلام، حاکم حسکانی، ج۲، ص۱۳۰.

عنوان «مناقب فاطمه‌بنت‌رسول‌الله» یا شبیه آن دیده می‌شود.[۱]

ـ کتب سیره و رجال، به‌ویژه کتاب‌هایی که درباره سیره صحابه تألیف شده است.[۲]

ـ کتب مستقل روایی، مانند مُسندهای حضرت زهرا علیهاالسلام که در آنها روایات آن حضرت یا روایاتی درباره سیره ایشان گردآوری شده است.[۳]

ـ کتبی که به‌طور ویژه، زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام را شرح می‌دهد و با استفاده از آیات و روایات مختصر یا گسترده، فضایل آن بزرگوار را آشکار می‌کند.[۴]

اما در این کتاب، بدون پرداختن به جزئیات زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام یا بیان گسترده فضایل آن بزرگوار، فقط مهم‌ترین فضایل بانوی دو جهان را با استفاده از آیات و روایات شرح می‌دهیم.

---

۱. ر.ک: المستدرک، نیشابوری، ج۳، صص۳۶۱ ـ۳۷۴ و ج۴، صص۱۹۰۲ ـ ۱۹۰۶؛ سنن الترمذی، ترمذی، ج۵، صص۶۵۵ ـ ۶۵۸؛ الصحیح، بخاری، ج۵، صص۸۲ ـ ۸۵.

۲. ر.ک: الطبقات الکبری، ابن‌سعد، ج۸، صص۱۶ ـ ۲۵؛ اسد الغابة، ابن‌اثیر جزری، ج۳، صص۲۲۰ ـ ۲۲۶.

۳. ر.ک: فضائل فاطمة الزهراء، ابوحفص عمر بن احمد (ابن شاهین)؛ مسند فاطمه بنت رسول‌الله؛ احمد بن حنبل، ج۶، ص۲۸۳؛ همچنین این عنوان در الجامع الکبیر سیوطی (قسم الافعال) که مستقلاً نیز با عنوان «مسند فاطمة الزهراء و ما ورد فی فضلها» به تحقیق فؤاد احمد زمرلی به طبع رسیده و مشتمل بر ۲۸۴ حدیث درباره حضرت فاطمه علیهاالسلام است.

۴. تعداد این کتاب‌ها که علمای شیعه و اهل سنت نوشته‌اند، بسیار است که از برخی آنها در این اثر استفاده شده است. نیز ر.ک: نرم افزار ریحانه.

جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام
در قرآن و تفسیرهای روایی

آیات عام یا خاص بسیاری درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نازل شده است. آیات عام، آیاتی است که در شأن اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده که حضرت زهرا علیها السلام نیز از مصداق‌های آن است؛ مانند آیه مباهله، تطهیر، مودّت و... . آیات خاص نیز آیاتی است که شأن نزول آن فقط مخصوص حضرت فاطمه علیها السلام بوده و بیانگر فضیلت یا حقوقی برای آن حضرت است؛ از قبیل سوره کوثر و آیه ذی‌القربی.

درباره هر دو گروه آیات، روایت‌هایی[1] در تفسیرهای اثری شیعه و سنی وارد شده است. حجیت این روایات، با

---

۱. این روایات، اصطلاحاً روایات تفسیری نام دارد و محتوایشان توضیحات رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این آیات است و آیات قرآن، به حجیت روایات و سنن پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید می‌کند؛ ر.ک: (نجم: ۲ــ ۴)؛ (نساء: ۵۹ و ۸۰)؛ (نحل: ۴۴)؛ (احزاب: ۳۶).

فرض صحت سند یا تواتر سندی، بدیهی است؛ در نتیجه از مدارک مهم، برای تفسیر قرآن می‌باشند که از استناد به آنها گریزی نیست.[۱]

پس از روایات نبوی، دانشمندان اهل سنت، گفته‌ها و نظریه‌های صحابه را روایت تفسیری دانسته و به آن استناد می‌کنند؛ زیرا آنان معتقدند از آنجا که صحابه در روزگار نزول قرآن می‌زیستند، علوم خود را از پیامبر می‌آموختند و داناترین افراد به اوضاع جامعه و فضای نزول آیات بودند[۲]؛ امّا دانشمندان شیعه، اعتقادی به حجیت آرای صحابه ندارند[۳] و فقط درباره سبب نزول آیات و مواردی که خالی از رأی و اجتهاد آنان باشد و تنها به حکایت از مشاهدات خود درباره چگونگی نزول آیات یا تطبیق مفاد آن بر مصادیق منحصر باشد، معتبر می‌دانند و در تفسیرهای خود به آن استناد می‌کنند.[۴]

ناگفته نماند از دیدگاه شیعه، پس از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله

---

۱. ر.ک: مناهل العرفان فی علوم القرآن، زرقانی، ج۱، ص۴۸۱؛ تفسیر القرآن العظیم، ج۱، ص۴؛ التبیان، شیخ طوسی، ج۱، ص۴؛ مبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، علی الصغیر، ص۸۶.

۲. تفسیر قرآن العظیم، ج۱، ص۴؛ البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، ج۲، ص۱۷۲؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج۱، ص۴۸۱.

۳. التبیان الجامع لعلوم القرآن، شیخ طوسی، ج۱، ص۴؛ المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، ص۴۴، علی الصغیر، صص۶۶ ـ ۶۷؛ حجیت مأثور از صحابه، مهدوی راد، ص ۶۹.

۴. التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج۲، ص۹۸.

فقط روایات اهل‌بیت علیهم السلام اعتبار شرعی دارد؛ چرا که علم و عصمتشان، آنان را از دیگر صحابه متمایز کرده و ازاین‌رو قول و فعل آنان، مانند قول و فعل پیامبر صلی الله علیه و آله حجّیت دارد.[1] با این توضیح، فضایل حضرت زهرا علیها السلام را با توجه به روایت‌های تفسیری، در تعداد محدودی از آیات قرآن بررسی می‌کنیم:[2]

الف) کوثر رسالت، نسل پاینده

نخستین موضوعی که درباره حضرت زهرا علیها السلام در قرآن آمده این است که قرآن، آن بزرگوار را مصداق بارز کوثر و تداوم‌بخش نسل پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند؛ مفسران، در سبب نزول سوره کوثر نوشته‌اند، از آنجا که پسران رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام حیات آن بزرگوار از دنیا رفتند، برخی از مشرکان، مانند عاص بن وائل، ولید بن مغیره،

---

۱. درباره حجیت قول و فعل امامان شیعه، از جمله روایات تفسیری آنان، دلائل مهمی در قرآن و روایات وجود دارد. در قرآن می‌توان به سوره واقعه، آیه ۷۹ و سوره احزاب، آیه ۳۱ اشاره کرد. المیزان، طباطبایی، ج۱۹، ص۱۳۷. در روایات نیز می‌توان به حدیث ثقلین که از روایات متواتر و قطعی‌الصدور است، اشاره کرد، بحارالانوار، مجلسی، ج۲۳، صص۱۰۵ ـ ۱۶۶؛ البیان فی تفسیر القرآن، خویی، ص۴۹۹. برای تفصیل این موضوع ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص۵۳؛ مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، معارف، ص۲۳۲.

۲. برای اطلاع بیشتر از آیاتی که در خصوص حضرت زهرا علیها السلام نازل شده است یا حضرت فاطمه یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود ر.ک: فاطمة الزهرا فی القرآن، حسینی شیرازی.

ابوجهل، عقبة بن ابی‌معیط و ابولهب، پیامبر را سرزنش کردند و او را ابتر نامیدند.[1] خدای تبارک و تعالی در پاسخ به سرزنش مشرکان، به‌خصوص عاص بن وائل سهمی، سوره کوثر را نازل کرد: ﴿**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ * إِنَّ شانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ**﴾.

این سوره به رسول خدا صلی الله علیه و آله اعطای کوثر را بشارت می‌دهد و دشمنان آن حضرت را «ابتر»، یعنی بدون نسل می‌خواند. «کوثر» در لغت به‌معنای خیر کثیر است.[2] این واژه مصداق‌های فراوانی، همچون قرآن، علم فراوان، نهری در بهشت، نبوت و پیامبری، ذریه و نسل، مقام شفاعت و... دارد که مفسران به آن اشاره کرده‌اند[3]؛ اما با توجه به سبب نزول این سوره، منظور از «کوثر»، همان عامل بقای نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله است که جز فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندانش مصداق دیگری ندارد؛ زیرا این سوره در پاسخ به سرزنش‌کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و همچنین به دلیل تقابل معنایی «الکوثر» با «الابتر»[4] دیگر مصداق‌های

۱. الدرالمنثور، ج۶، ص۴۰۳؛ روح المعانی، آلوسی، ج۳، ص۴۰۳ و بیشتر تفاسیر ذیل سوره کوثر.

۲. المفردات، راغب اصفهانی، ص۴۲۶.

۳. ر.ک: الکشاف، زمخشری، ج۴، ص۸۰۷؛ تفسیر القرآن العظیم، ج۴، صص۵۹۶ ـ ۵۹۸؛ روح المعانی ج۳۰، صص۲۴۴ ـ ۲۴۶؛ فتح القدیر، شوکانی، ج۵، ص۵۰۲؛ تفسیر المراغی، مراغی ج۱۰، صص۲۵۱ و ۲۵۲.

۴. ابتر به معنای بی‌دنباله و کسی که فرزند پسر ندارد (مقطوع النسل) می‌باشد، المفردات، راغب اصفهانی، ص۳۶.

کوثر که مفسران به آن اشاره کرده‌اند، همگی از باب جری و انطباق است.[۱] با این اعتبار حسن و حسین نیز فرزندان رسول خدا هستند؛ زیرا در غیر این صورت، با وجود فاطمه زهرا باز هم رسول خدا به «ابتر» موصوف می‌شود. این استدلال را علی در پاسخ به نامه عمرو بن عاص نیز بیان کرده بود. ابن ابی‌الحدید در این‌باره نوشته است:

> عمرو بن عاص نامه‌ای برای امیرمؤمنان فرستاد که در آن، از حضرت در چند مورد ایراد گرفته بود؛ از جمله آنکه ایشان، حسن و حسین را دو فرزند رسول خدا می‌داند. حضرت در جواب، به پیک عمرو بن عاص گفت: «به بدکاره فرزند بدکاره بگو که اگر حسن و حسین فرزندان رسول خدا نبودند، در این صورت پیامبر ابتر می‌بود؛ همان‌گونه که پدرت گمان می‌برد؛ درحالی‌که خداوند، ابتر بودن را از پیامبر نفی کرده و به دشمن او نسبت داده است.[۲]

از دیدگاه مفسران شیعه، مهم‌ترین مصداق کوثر وجود مبارک حضرت زهرا است که عامل نسل پاینده رسول خدا است. طبرسی می‌نویسد:

> گفته‌اند که کوثر عبارت است از کثرت نسل و ذریه.

---

۱. الزهراء فاطمه بنت محمد، عثمان محمد، ص۱۷.

۲. شرح نهج البلاغه، ج۲۰، ص۳۳۴.

آری، کثرت در نسل آن حضرت از فرزندان فاطمه علیها السلام به‌گونه‌ای ظاهر گردید که به شمارش نیاید و امتداد این نسل تا روز قیامت پابرجاست.[۱]

بسیاری از مفسران اهل سنت نیز یکی از مصداق‌های «کوثر» را فاطمه زهرا علیها السلام دانسته‌اند. این نظر به روایاتی مستند است که در کتب حدیثی و تفسیری بسیاری از بزرگان اهل سنت بیان شده؛ از جمله «طبرانی» در «المعجم‌الکبیر»[۲]، «ابن عساکر» در «تاریخ مدینة دمشق»[۳]، «سیوطی» در «الدر المنثور»[۴]، «ابن کثیر دمشقی» در کتاب‌های «البدایة و النهایة»[۵] و «السیرة النبویه».[۶] همچنین آیه: ﴿**إِنَّ شانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ**﴾ را درباره عاص بن وائل، عقبة بن ابی‌معیط و دیگر مشرکانی دانسته‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را ابتر توصیف کرده بودند.[۷]

فخر رازی معتقد است که مراد از «کوثر» نهر وعده

---

۱. مجمع البیان، طبرسی، ج۱۰، ص۸۳۶؛ المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، ج۲۰، ص۳۷۰؛ تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج۲۷، ص ۳۷۵؛ فاطمة الزهرا علیها السلام فی القرآن، ص۳۵۲.

۲. المعجم الکبیر، طبرانی، ج۴، ص۱۷۹.

۳. تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، ج۳، ص۱۲۸.

۴. الدر المنثور، ج۶، ص۴۰۳.

۵. البدایة و النهایة، ج۵، ص۳۲۶.

۶. السیرة النبویة، ج۴، ص۶۰۷.

۷. برای دیدن مجموعه‌ای از این روایات، ر.ک: فاطمه علیها السلام کوثر قرآن، محمد احسانی‌فر لنگرودی ص۱۳۴.

داده شده در بهشت است؛ با وجود این، در یکی از وجـوه تفسیری کوثر، از قول سدّی نوشته است:

بین عرب مرسوم بود کـه اگـر فرزنـد پسـر کسـی از دنیـا می‌رفت، به او ابتر می‌گفتند. چون فرزنـدان پیـامبر صلی الله علیه و آله در مکه موسوم به قاسم و عبدالله و نیز، فرزند او به نام ابراهیم در مدینه درگذشتند، آنها گفتنـد کـه پیـامبر ابتـر اسـت و جانشینی ندارد؛ اما خداوند با نـزول ایـن سـوره مشـخص کرد که دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله به این صـفت موصـوف بـوده و نسل آن حضرت تا قیامت تداوم دارد.[1]

نکته مهم آن است که همه مفسـرانی کـه بـرای تفسـیر «کوثر» مصداق‌هایی غیر از نسـل و ذریـه بیـان کـرده‌انـد، بلاغت قرآن کـریم را در تقابـل «کـوثر» و «الابتـر» نادیـده انگاشته‌اند. علامه طباطبایی با برشماری مصداق‌های کـوثر از قول مفسران که بیش از ۲۶ قول است، می‌نویسد:

به جز مصداق‌های نهـری در بهشـت و حـوض پیـامبر صلی الله علیه و آله که مستند به برخی روایات است، باقی اقوالی کـه دربـاره کـوثر گفتـه شـده، هـیچ دلیلـی نـدارد، بـه جـز تحکـم و بی‌دلیل حرف زدن؛ اما با درنظرگرفتن اینکه کلمـه «ابتـر» به معنـای کسـی اسـت کـه نسـل او منقطـع شـده و بـا در

---

۱. مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج۳۲، ص ۱۱۲؛ غرائب القرآن و رغائب الفرقـان، نیشـابوری، ج۶، ص۵۷۶؛ روح المعـانی، ج ۳۰، ص۲۴۵؛ انـوار التنزیـل و اسرار التأویل، بیضاوی، ج۲، ص۶۲۶.

نظرگرفتن جمله نامبرده که از باب قصر قلب[1] است، نتیجه‌گیری می‌شود که منظور از کوثر، تنها و تنها کثرت ذریه است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته است یا مراد، هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه. اگر مراد، مسئله ذریه ـ با استقلال یا به‌طور ضمنی ـ نبود، آوردن ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ فایده‌ای نداشت؛ زیرا کلمه ﴿إِنَّ﴾ علاوه بر تأکید، تعلیل را هم می‌رساند و معنا ندارد که خداوند بفرماید ما به تو حوضی دادیم؛ زیرا بدگوی تو ابتر و بلانسل است.[2]

اما فخر رازی بیش از دیگر مفسران اهل سنت به این نکته بلاغی در سوره کوثر پرداخته است و می‌نویسد:

«کوثر» به معنای فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. گفته‌اند که این سوره برای تخطئه کسی نازل شد که آن حضرت را به سبب نداشتن (یا باقی نماندن) فرزندان سرزنش می‌کرد. ازاین‌رو معنای آیه این می‌شود که خداوند نسلی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عطا فرماید که در طول قرن‌ها پایدار خواهد

---

۱. قصر قلب در جایی است که در اتصاف موصوفی به صفت خاص، اشتباهی رخ دهد. علوم بلاغت و اعجاز قرآن، نصیریان، ص۱۰۶، کنایه از این مطلب که ابتر واقعی، عاص بن وائل بود. اما بر اثر اشتباه و نادانی، این موضوع را به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت می‌داد و خداوند با تأکید بر ابترِ واقعی‌بودن او، ابتربودن را از رسول خدا نفی کرد.

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج۲۰، ص۳۷۰.

بود. آری، بنگر چقدر از اهل‌بیت کشته و شهید شدند؛ اما باز عالم از آنان مالامال است. در صورتی که از بنی امیه احدی که قابل توجه باشد، باقی نماند و باز بنگر که در میان اهل‌بیت علیهم‌السلام چه بزرگانی مانند حضرات باقر، صادق علیهماالسلام، نفس زکیه و امثال آنان ظهور کردند.[1]

ب) عصمت و طهارت شاخص اهل‌بیت علیهم‌السلام

آیه تطهیر:

﴿إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾

جز این نیست که خداوند اراده فرموده، هرگونه زشتی و پلیدی را از شما اهل‌بیت بزداید و از هر جهت پاکتان سازد.

بر عصمت اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دلالت دارد و حضرت زهرا علیهاالسلام نیز از اهل‌بیت علیهم‌السلام است؛ به بیان دیگر، ساختار آیه شریفه با توجه به حرف تأکید ﴿إِنَّما﴾ که بیانگر اراده الهی است، زمان افعال که به صورت فعل مضارع است و استمرار را می‌رساند، «ال» در کلمه ﴿الرِّجْسَ﴾ که نشان‌دهنده اطلاق است و مفعول مطلق ﴿تَطْهِيراً﴾ که خود تأکید دیگری است، همگی بر اراده الهی و دوری از هرگونه رجس و پلیدی، مانند شرک، کفر و گناه دلالت

---

۱. مفاتیح الغیب، ج۳۲، ص۱۲۴.

می‌کند.[۱] پس آیه بیانگر همان عصمت الهی است که عبارت است از ملکه‌ای نفسانی که انسان را از عقیده باطل و کارهای زشت برحذر می‌دارد.[۲]

بنابر روایات، فقط حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام، اهل‌بیت هستند؛ هرچند آیه، میان آیاتی باشد که درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید؛ زیرا براساس روایات صحیح که از طرق متعدد وارد شده است، اهل‌بیت علیهم السلام شامل همسران پیامبر نمی‌شود. ترمذی در «سنن» خود، از عمر بن ابی‌سلمه آورده است:

> آیه ﴿**إِنَّما يُرِيدُ اللّهُ...**﴾ در خانه ام‌سلمه نازل شد. در پی آن رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخوانده در جامه‌ای پوشاند و علی علیه السلام را در جامه‌ای دیگر. سپس فرمود: «**أَللّٰهُمَّ هَؤُلاءِ أَهلُ بَيتي فَاذْهَبْ عَنهمُ الرِّجسَ وَ طَهِّرهُم تَطهيرا**». ام‌سلمه گفت: ای پیامبر خدا آیا من با

---

۱. رجس، در آیات قرآن در هر دو معنای مادی و معنوی به کار رفته است؛ مادی مانند: ﴿...**أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ**﴾ (الانعام: ۱۴۵) و رجس معنوی مانند آیات ﴿**وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ وَ ماتُوا وَ هُمْ كافِرُونَ**﴾ (التوبه: ۱۲۵) و نیز ﴿**كَـذلِكَ يَجْعَلُ اللّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ**﴾ (الانعام: ۱۲۵) و در آیه تطهیر، مراد از «رجس» پلیدی‌های معنوی و غیرمادی است؛ زیرا پاک‌شدن از آلودگی‌های ظاهری دنیا، به اراده خاصی از جانب خدا نیاز ندارد و مؤمنان قادر به دست‌یابی به آن هستند.

۲. ر.ک: تفسیر المیزان، ج۱۶، ص۳۱۲؛ سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، شرف‌الدین موسوی، ص۷۵.

ایشانم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تو بر جای خود باش که فردی عاقبت به خیری».[۱]

بنا بر تحقیقی، ۲۷ نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که شماری از آنان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، به نزول آیه تطهیر درباره حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام شهادت داده‌اند.[۲] دانشمندان بسیاری از اهل سنت، حدیث یادشده را در کتاب‌های خود آورده‌اند و بر صحت آن تصریح کرده‌اند.[۳] از جمله کتاب صحیح مسلم که اهل سنت در اعتبار روایات آن تردید ندارند. ترمذی پس از بیان حدیث، درباره آن نوشته است: «**هذا حديث حسن و هو احسن شيء روي في هذا الباب**».[۴] حاکم نیشابوری نیز، پس از آوردن این حدیث در چند جای کتابش، آن را صحیح الاسناد و نیز، با ملاک‌های بخاری و مسلم صحیح می‌داند.[۵]

آنچه در آیه تطهیر، فاطمه زهرا علیها السلام را جزو اهل‌بیت علیهم السلام قرار می‌دهد آن است که بنا بر روایات متعدد، پس از نزول آیه تطهیر، رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدت ۶ یا ۹ ماه از کنار خانه

---

۱. سنن، ج۵، صص۳۲۸ و ۶۲۲ و ۶۵۷؛ المستدرک، ج۳، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ تفسیر القرآن العظیم، ج۳، ص۴۹۳؛ غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نیشابوری، ج۴، ص۱۸۸۳؛ تاریخ طبری، ج۱۲، ص۶؛ الدرالمنثور، ج۶، ص۶۰۴.

۲. شخصیت حضرت زهرا علیها السلام، بشوی، صص۸۹ ـ ۹۱.

۳. همان، صص ۹۲ ـ ۹۵.

۴. سنن الترمذی، ج۵، صص۶۵۷ و ۱۳۲۸.

۵. المستدرک، ج۳، صص۳۵۷ و ۳۵۸.

حضرت فاطمه علیهاالسلام عبور می‌کردند و اهل خانه را با این تعبیر خطاب می‌کردند: «**الصَّلاةَ، أَهلَ البَيتِ، ﴿إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾**».[1] هدف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از این کار این بود که همگان متوجه شوند، اهل‌بیت علیهم‌السلام در آیه تطهیر، فقط حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم‌السلام هستند و مصداق دیگری ندارد و خداوند، فقط برای آنان طهارت قلبی و پاکی از هر شائبه نفسانی را اراده فرموده است.

مقابل آنچه گفته شد، دیدگاه دیگری نیز در کتب تفسیری اهل سنت به چشم می‌خورد که فقط به این دلیل که آیه تطهیر میان آیاتی از قرآن قرار دارد که درباره همسران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، محتوای آیه تطهیر را ویژه زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌داند یا دست‌کم آنان را از اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برمی‌شمرد.

معروف است که «عکرمه» از قول ابن عباس، نزول آیه تطهیر را مخصوص زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌دانست و اعلام می‌کرد که حاضر است در این زمینه با مخالفان خود مباهله کند.[2] ابن کثیر دمشقی ضمن اعتراض به عکرمه، معتقد است که زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از اهل‌بیت هستند، نه آنکه آیه تطهیر منحصر به آنان باشد. ابن کثیر می‌گوید روایات

---

۱. ر.ک: فضائل فاطمة الزهرا علیهاالسلام، ص۶۹؛ تفسیر القرآن العظیم، ج۳، ص۴۹۲.

۲. تفسیر القرآن العظیم، ج۳، ص۴۹۱.

بسیاری درباره آیه وجود دارد که مصادیق خاص اهل‌بیت پیامبر(ص)، یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) را معرفی می‌کند. وی بسیاری از این روایات را نیز، نقل کرده است.[۱] نه تنها عقیده عکرمه باطل است، بلکه دیدگاه ابن کثیر دمشقی و مفسرانی که زنان پیامبر(ص) را نیز از اهل‌بیت می‌دانند، به دلایل زیر نادرست است:

یک ـ با توجه به تأکیدهایی که در آیه تطهیر وجود دارد، اهل‌بیت پیامبر(ص) از مقام عصمت برخوردارند؛ اما همسران پیامبر(ص) این مقام را نداشتند؛ زیرا قرآن گاه به دلیل برخی ناسازگاری‌ها با رسول خدا(ص) به آنان اخطار می‌داد. تأمل در آیات سوره‌های احزاب و تحریم[۲] ـ که حتی همسران رسول خدا(ص) را به طلاق تهدید می‌کند ـ گواه این مطلب است.

دو ـ چنان‌که دیدید، برخی روایات درباره تعیین مصداق‌های اهل‌بیت پیامبر(ص) را خود همسران پیامبر(ص)، مانند عایشه و ام‌سلمه نقل کرده‌اند و در کتب معتبر اهل‌سنت نیز وارد شده است و این روایات همسران پیامبر(ص) را از مصداق‌های اهل‌بیت نمی‌دانند و این، از مهم‌ترین دلایل اختصاص آیه تطهیر به چند نفر انگشت‌شمار، یعنی علی(ع)، فاطمه، حسن و حسین(ع) است.

---

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج۳، ص۴۹۲.

۲. ر.ک: (احزاب: ۲۸)؛ (تحریم: ۵).

سه ـ تردیدی نیست که در عرف، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و در خانه آن حضرت زندگی می‌کردند؛ اما باید به این نکته توجه کرد که در بسیاری از آیات و روایات، واژه «اهل» در معنایی فراتر از معنای عرفی به کار رفته است و شامل اهلیت فکری و ایمانی هم می‌شود؛ مانند این آیه ﴿**قالَ یا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیْرُ صالِحٍ**﴾ (هود: ۴۶) که پسر نوح را ـ که در حقیقت فرزند آن حضرت بود ـ از اهل‌بیت نوح و سزاوار سوارشدن بر کشتی نمی‌داند یا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با گفتن «**سلمان منا اهل البیت**»[1]، سلمان را که در نسب و نژاد، اشتراکی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد، در ردیف اهل‌بیت می‌داند.

چهار ـ با صرف این دلیل که آیه تطهیر، بین آیاتی قرار گرفته که درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، نمی‌توان همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را در شمار اهل‌بیت، به معنای خاص آن، قرار داد؛ زیرا از اختلاف ضمایر موجود در آیات همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و آیه تطهیر که بگذریم، آیه تطهیر با آیات پیشین و پسین خود، تناسبی استطرادی دارد[2] که در قرآن

---

۱. اختیار معرفة الرجال، کشی، ج۱، صص۵۲، ۵۴، ۶۰ و ۷۱.

۲. تناسب استطرادی به این معناست که بین مسئله اصلی، بنابر مصالحی رشته کلام قطع شود و مطلب جدیدی به ذهن مخاطب القا شود. سپس گوینده دوباره به کلام پیشین بازگردد و آن را ادامه دهد. در عین حال کلام استطرادی با کلام اصلی به‌گونه‌ای ربط و پیوند داشته باشد؛ ←

کاربردهای فراوان دارد.[۱] ازاین‌رو میان آیاتی که همسران پیامبر صلی الله علیه وآله را امر و نهی می‌کند، سخن ناگهانی از اختصاص عصمت و طهارت به اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه وآله، به این دلیل است که نخست، تفاوت این عده با دیگران، از جمله زنان پیامبر صلی الله علیه وآله، بر همگان آشکار شود. همچنین به همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله یادآور شود که برای دستیابی به پاکی و کمال، باید از اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه وآله پیروی کنند.

ج) دوست‌داشتن فاطمه، پاداش رسالت

حضرت فاطمه عليها السلام از مصداق‌های «قربی» در این آیه است:

﴿قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى﴾ (شوری: ۲۳)

بگو [در برابر رسالتم] پاداشی از شما نمی‌خواهم، به‌جز دوست‌داشتن نزدیکانم.

⇦ برای مثال آیه شریفه ﴿يا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً يُوارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشاً﴾ (اعراف: ۲۶) که در آن از نعمت لباس سخن گفته، کلامی بر سبیل استطراد در بین آیات مربوط به سرگذشت آدم و همسر او در سوره اعراف است؛ زیرا در این آیات بحث درباره سرگذشت آدم و حوا، تخلف آنها در خوردن از درخت ممنوعه و در نتیجه، افتادن لباس از اندام آنها و تلاش برای پوشاندن خود با برگ‌های درختان است. در چنین فضایی سخن از نعمت لباس، برای بنی‌آدم از باب تناسب استطرادی به میان آمده است که بی‌ارتباط با زمینه اصلی کلام هم نیست. ر.ک: الکشاف، ج۲، ص۹۷؛ الدرالمنثور، ج۳، ص۲۷۳؛ البرهان فی علوم القرآن، ج۱، ص۴۱.

۱. سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا عليها السلام، صص ۶۳ و ۶۴.

با توجه به این آیه دوست داشتن حضرت فاطمه علیهاالسلام پاداش رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امری واجب است و بنابر آیه: ﴿**قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللهِ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ**﴾ (سبأ: ۴۷)، نتیجه مهرورزی به خویشان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به خود انسان باز می‌گردد، نه به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله. درباره مصداق‌های «قربی» میان مفسران اهل سنت دیدگاه‌هایی وجود دارد؛ از جمله آنکه، مراد از «قربی»، همه خویشاوندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ به‌ویژه طایفه قریش.[1] در صورتی که هرکس به تاریخ اسلام آشنا باشد، درمی‌یابد دوست داشتن قریشی که آن همه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را آزردند، نمی‌تواند مصداق مناسبی برای پاداش رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد.

ابن کثیر در یک نظر «قربی» را مصدر دانسته و آیه را چنین معنا کرده است: «ای پیامبر! بگو من برای رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم؛ اما به سبب قرابتی که بین من و شما وجود دارد، مرا آزار ندهید».[2] این تفسیر، علاوه بر آنکه خلاف ظاهر است، با روایاتی که در معرفی مصادیق «قربی» وارد شده، ناسازگار است. معروف‌ترین این روایات، حدیث ابن عباس است که می‌گوید:

هنگامی که آیه: ﴿**قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي**

---

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج۴، ص۱۲۱.

۲. همان.

> **الْقُرْبى﴾** نازل شد، اصحاب گفتند: «ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خویشان تو که خداوند محبت آنها را واجب فرموده چه کسانی هستند؟» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام».[1]

زمخشری حدیث دیگری در ضرورت دوستی آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان کرده است که با این عبارت شروع می‌شود: «**قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَن ماتَ عَلی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ ماتَ شَهیداً، أَلا وَمَن ماتَ عَلی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ ماتَ مَغفوراً لَه...**».[2]

فخر رازی پس از بیان این حدیث چنین گفته است:

> در عظمت آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله همین بس که اولاً: آنان (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام) محبوب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند و لذا دوستی آنان، بر امت واجب است؛ ثانیاً: آنان در تشهد نماز در کنار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مخصوص به ذکر و دعا شده‌اند که: «**أَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**» نیز، بر وجوب دوستی آنان دلالت دارد.[3]

به نظر می‌رسد با توجه به همین روایات، شافعی نزول آیه مودت را درباره دوستی اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مسلم

---

۱. الدرالمنثور، ج۷، ص۳۴۸؛ الکشاف، ج۴، ص۲۲۰؛ مفاتیح الغیب، ج۲۷، ص۱۶۷؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج۲، ص۱۳۰؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج۲، ص۳۶۲؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج۴، ص۱۵۴.

۲. الکشاف، ج۴، ص۲۲۰.

۳. مفاتیح الغیب، ج۲۷، ص۱۶۶.

دانسته است و در اشعاری که از او به‌جا مانده، چنین سروده است:

یا أَهلَ بَیتِ رَسولِ اللهِ حُبُّکم
فَرضٌ مِنَ اللهِ فِي الْقُرآنِ أَنزَلَه
کَفاکُم مِن عَظیمِ الْقَدرِ أَنَّکم
مَنْ لَم یُصلِّ عَلیکُم لَا صَلاةَ لَه[۱]

ای اهل‌بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله! دوستی شما فریضه‌ای از جانب خداوند است که آن را در قرآن نازل کرده است.
در عظمت قدر و منزلت شما، همین بس، کسی که [در نماز خود] صلوات و درود بر شما نفرستد، نماز او قبول نخواهد بود.

نکته دیگر درباره حدیث ابن عباس، آن است که این حدیث در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت، به طرق مختلفی وارد شده است؛ از جمله حاکم حسکانی، آن را با هشت طریق، ذیل آیه مودت آورده است.[۲] بنابر برخی پژوهش‌ها[۳]، سند حدیث صحیح و راویان آن موثق‌اند.

---

۱. شافعی، دیوان اشعار، ص ۱۱۵، به رقم ۱۱۸.
۲. شواهد التنزیل، لقواعد التفضیل، ج۲، صص ۱۳۰ ـ ۱۴۶ و نیز ر.ک: سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، صص ۸۶ ـ ۹۱ که مصادر حدیث یادشده را از قول مقریزی، بغوی، ثعلبی، جلال‌الدین سیوطی، حافظ ابونعیم اصفهانی حموینی شافعی و زمخشری نقل کرده است.
۳. شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در قرآن از منظر اهل سنّت، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

همچنین آیه مودت و حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در شناساندن «ذی القربی» از مشهورترین نصوصی است که امامان شیعه، مانند امیرمؤمنان علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام زین‌العابدین علیه السلام در دفاع از حقوق اهل‌بیت علیهم السلام مقابل مخالفان خود، به آن احتجاج کرده‌اند.[1]

د) حقوق زهرا علیها السلام در کتاب خدا

خدای متعال در سوره اسراء به رسول خود چنین خطاب می‌کند: **﴿وَ آتِ ذَا الْقُرْبِى حَقَّهُ﴾**؛ «حق خویشاوندان را بده». با توجه به تفسیر «قربی» در آیه مودت، مراد از «ذی القربی» همان خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند که نزدیک‌ترین مصداق آن فاطمه زهرا علیها السلام است و این مطلب، از روایاتی به دست می‌آید که برای تفسیر این آیه بیان شده است. بنابر روایات شیعه و سنی، هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام را فراخواند و مزرعه فدک را به وی واگذار کرد. از جمله ابوسعید خدری نقل کرده است:

لمّا نَزَلَ ﴿وَ آتِ ذَا الْقُرْبِى حَقَّهُ﴾ دَعا رَسولُ اللهِ فاطمةَ

---

1. ر.ک: روح المعانی، آلوسی، ج۲۵، ص۳۰؛ مسند فاطمة الزهراء، سیوطی، صص۷۶ ـ ۷۹ و نیز هاشمی فصل یازدهم با عنون: فاطمة الزهراء در آیه قربی؛ سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، شرف الدین موسوی، صص ۹۶ ـ ۹۸ با عنوان: احتجاجات امام حسن مجتبی و امام زین العابدین با مخالفان.

فَاَعطاها فَدکاً.[۱]

هنگامی که آیه ﴿وَ آتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّهُ﴾ نازل شد، رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فاطمه‌علیها‌السلام را فراخواند و فدک را به وی بخشید.

مانند این حدیث را ابن عباس و دیگران، روایت کرده‌اند.[۲] فاطمه زهراعلیها‌السلام با چنین پیشینه‌ای مقابل ابوبکر ادعا کرد که پدرش فدک را به او هبه کرده است؛ اما ابوبکر نپذیرفت و گفت: «من گفته تو را قبول ندارم». در این هنگام، ام ایمن و یکی از غلامان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله برای فاطمه‌علیها‌السلام گواهی دادند.[۳] ولی دستگاه خلافت، به شهادت

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج۳، ص۳۹؛ تفسیر عیاشی، ج۲، ص۳۱۰ و۳۱۱ و نیز ر.ک: تفسیر نورالثقلین حویزی، ج۳، صص۱۵۳ ـ ۱۵۶؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج۱، صص۳۲۹ ـ ۳۴۱.

۲. همان. قابل ذکر است که برخی، مانند ابن کثیر، ایراد گرفته‌اند که به‌دلیل مکی‌بودن سوره بنی‌اسرائیل این روایات اعتبار چندانی ندارد (تفسیر القرآن العظیم، ج۳، ص۳۹)؛ چون موضوع فدک و واگذاری آن به فاطمه زهراعلیها‌السلام یا شخص دیگر، مربوط به حوادث جنگ خیبر به بعد است که در مدینه اتفاق افتاد. در پاسخ باید گفت: علاوه بر بحث مستثنیات سوره‌های مکی (که آیه یا آیاتی از آن در مدینه نازل شده و در کتاب‌های علوم قرآنی فصلی را به خود اختصاص داده است) می‌توان از احتمال نزول مکرر یک آیه در مکه و مدینه نیز سخن به میان آورد. بنابراین بعید نیست که آیه ﴿**وَ آتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ...**﴾ دو بار نازل شده باشد، یکی در مکه همراه سوره اسراء و دیگری در مدینه که براساس آن، رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فدک را به فاطمه زهراعلیها‌السلام واگذار کرد. التمهید فی علوم القرآن، ج۱، ص۱۵۶ که می‌نویسد: «**اذن فالایه ـ لعلها ـ نزلت للمرة الثانیة بعد فتح خیبر و بعد ما افاء الله علی رسوله والمؤمنین...**».

۳. ر.ک: مفاتیح الغیب، ج۲۹، ص۲۸۴.

این دو اهمیتی نداد.

ازاین‌رو، به استناد روایـات وارده، رسـول خـدا صلی الله علیه و آله در حیات خود فدک را به فاطمه عليها السلام بخشید و آن حضرت نیز در آن تصرف کرد و درآمد سالانه آن را میان فقـرا تقسـیم می‌نمود.[1]

علی عليه السلام نیز در نامه ۴۵ نهج‌البلاغـه از مالکیـت فـدک، برای اهل‌بیت عليهم السلام خبر داده است که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله مصادره گردید.

بَـلی کانَـتْ فِي أَیـدِینا فَـدکٌ مِـنْ کُـلِّ مـا أَظَلَّتْـهُ السَّـماءُ فَشَحَّتْ علیها نُفوسُ قـومٍ وَ سَـخَتْ عَنهـا نُفـوسُ قـومٍ آخَـرینَ و نِعـمَ الحَکَـمُ اللهُ و مَـا اَصـنَعُ بِفَـدَکٍ وَ غَـیرِ فَدکٍ... .[2]

آری از آنچه آسمان بر آن سایه افکند، فـدک در دسـت ما بود که مردمی بر آن بخل ورزیده [آن را از ما گرفتنـد] و مردمـی دیگـر سـخاوتمندانه از آن چشـم پوشـیدند و بهتـرین داور خداسـت؛ مـرا بـا فـدک و غیـر فـدک چـه کار...؟!

آری، پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله سـردمداران قـدرت و خلافـت، فـدک را غصـب و سـپس شـایع کردنـد کـه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

---

۱. بحارالانوار، ج۲۹، ص۱۳۳.
۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

إِنّا مَعاشِرَ الأَنبیاءِ لانُورِّث ما تَرکناهُ صَدَقةٌ.[1]

ما گروه پیامبران، چیزی به ارث نمی‌گذاریم، آنچه از ما باقی می‌ماند، صدقه است.

هدف آنان از این کار محروم کردن اهل‌بیت علیهم السلام از پشتوانه اقتصادی‌شان بود. حضرت فاطمه علیها السلام با تأکید بر مالکیت فدک، به احتجاج با ابوبکر پرداخت، به این صورت که فرمود:

با فرض آنکه فدک هبه رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده و فقط در شمار مواریث پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، آیا در کتاب خدا وارد شده است که تو از پدر خود ارث ببری و من نتوانم ارث ببرم؟[2]

هدف حضرت فاطمه علیها السلام آن بود که به ادعای روایی ابوبکر بر ارث نبردن از پیامبر پاسخ دهد؛ زیرا اگر روایتی مخالف صریح آیات قرآن باشد، بی‌اعتبار است و صلاحیت استدلال ندارد.

هـ) همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز مباهله

مباهله، از رویدادهای مشهور تاریخ اسلام است که به‌سبب آن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با اهل‌بیت خود برای

---

۱. ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۱۶، ص۲۱۸. به نقل از سقیفه و فدک، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری.

۲. الاحتجاج، طبرسی، ج۱، ص۱۰۲.

«مباهله»[1] مقابل مسیحیان نجران قرار گرفت. قرآن در این‌باره خطاب به پیامبر می‌فرماید:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللهِ عَلَى الْكاذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱)

پس هر کس درباره عیسی بعد از علم و دانشی [که درباره عیسی] به تو رسید با تو به محاجّه برخیزد، به آنان بگو: بیایید ما فرزندان خود را بخوانیم، شما نیز فرزندان خود را؛ ما زنان خود را صدا زنیم شما نیز زنان خود را؛ ما نفْس‌های خود را بخوانیم، شما نیز نفس‌های خود را. آن‌گاه مباهله کنیم و لعنت خود را بر دروغگویان قرار دهیم.

رسول خدا(ص) نیز برای اجرای فرمان خداوند، به مسیحیان پیشنهاد مباهله کرد که آنان پذیرفتند و فردای آن روز را برای این کار تعیین کردند. در آن روز پیامبر(ص) همراه حسن، حسین، علی و فاطمه زهرا(ع) برای مباهله حاضر شدند و رسول خدا(ص) به اهل‌بیت خود فرمود:

---

۱. مباهله در اصطلاح دینی، به‌معنای نفرین‌کردن دو نفر به یکدیگر است. به این ترتیب که اگر افرادی در مسئله مهم مذهبی با هم گفت‌وگو و بحث دارند در یکجا جمع شوند و به درگاه خداوند تضرع کنند و از او بخواهند که دروغگو را رسوا و مجازات کند. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج۲، ص۴۳۸.

«هرگاه من دعا کردم، شما آمین بگویید»؛ اما اسقف نجران با دیدن چهره ملکوتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و چهره‌های معصومی که همراه آن بزرگوار بودند، به همراهان خود گفت:

من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند بخواهند کوه را از جا برکند، این کار را خواهد کرد. ای نصارا! با این مرد مباهله نکنید که هلاک می‌شوید و تا روز قیامت یک نفر نصرانی روی زمین باقی نخواهد ماند... .[1]

آن‌گاه مسیحیان از مباهله صرف‌نظر و با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مصالحه کردند.

مباهله از حوادث مشهور، بلکه قطعی تاریخ اسلام است که بیشتر محدثان و مفسران آن را همان‌گونه که گذشت بیان کرده‌اند. حاکم نیشابوری درباره این ماجرا ادعای تواتر کرده است[2] و زمخشری نیز، این ماجرا را مهم‌ترین دلیل برتری اصحاب کسا، یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام می‌داند.[3]

در رویداد مباهله، آنچه درباره حضرت زهرا علیهاالسلام قابل توجه است، آن است که بنابر این آیه، فاطمه زهرا علیهاالسلام

---

۱. مفاتیح الغیب، ج۸، ص۸۹.

۲. المستدرک، ج۳، ص۵۰.

۳. الکشاف، ج۱، ص۱۹۳؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج۱، ص۱۶۳؛ لباب التأویل، ج۱، ص۲۵۴؛ تفسیر المراغی، ج۱، ص۱۷۵؛ فتح القدیر، ج۱، ص۳۴۷ از قول اکثر محدثان اهل سنت؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج۱، ص۲۴۳.

مصداق ﴿**نِسَاءَنَا**﴾ است؛ زیرا در زمان مباهله، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله همسران متعددی داشتند؛ اما هیچ‌کدام را با خود همراه نکردند. ازاین‌رو در آیه مباهله، دو فضیلت برای حضرت فاطمه علیهاالسلام به اثبات می‌رسد:

نخست آنکه حضرت زهرا علیهاالسلام شاهد و گواه حقانیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اثبات رسالت آن حضرت است و این، خود، نمونه‌ای از همراهی حضرت فاطمه علیهاالسلام با مقام رسالت است، و دوم آنکه حضور حضرت زهرا علیهاالسلام به همراه پدر، همسر و فرزندان، مستجاب الدعوه بودن آنها را می‌رساند که این بیانگر جایگاه بلند آن حضرت نزد خدای تبارک و تعالی است. به این ترتیب، پوشاندن حقیقت از سوی برخی مورخان و مفسران اهل سنت، از جمله ابن هشام در «السیرة النبویه»[1] و ثعالبی در «الجواهر الحسان»[2] که هنگام نقل ماجرای مباهله، اشاره‌ای به همراهان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نکرده‌اند، ضرری به اصل حقیقت وارد نمی‌کند. همچنین، تشکیک برخی از مفسران امروزی، مانند رشید رضا و محمد عبده که مباهله را به‌گونه‌ای که شیعه ادعا می‌کند، جعلی دانسته و شیعیان را صادر کننده روایات مباهله معرفی کرده‌اند بی‌اعتبار است[3]؛ زیرا کمتر واقعه‌ای مانند

---

۱. السیرة النبویة، ابن هشام، ج۲، صص۲۲۲ و ۲۳۳.
۲. الجواهر الحسان، ثعالبی، ج۱، صص۲۵۶ و ۲۵۷.
۳. تفسیر المنار، رشید رضا، ج۳، ص1۳۲۲.

مباهله وجود دارد که از قرن سوم تا عصر حاضر، بخشی از کتب حدیث، تفسیر و تاریخ اهل سنت را به خود اختصاص داده باشد.

و) نیکوکاری بزرگ

بنابر آیات قرآن، حضرت زهرا علیها السلام از مصداق‌های «ابرار» است. ابرار، در عرف قرآن، از جمله آیه **﴿لكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ... أُولئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾** (بقره: ۱۷۷) به کسانی اطلاق می‌شود که در عقیده و عمل به کمال برسند و از پرهیزکاران و راستگویان شوند. همچنین به همه مؤمنان سفارش شده است که همراه صادقان باشند؛ چنان‌که در سوره توبه می‌فرماید: **﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾** (توبه: ۱۲۲)؛ اما نیکوکاری حضرت فاطمه و علی علیهما السلام در قرآن این‌گونه گزارش شده است:

﴿إِنَّ الْأَبْرارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كانَ مِزاجُها كافُوراً * عَيْناً يَشْرَبُ بِها عِبادُ اللّهِ يُفَجِّرُونَها تَفْجِيراً * يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخافُونَ يَوْماً كانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً * وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً * إِنَّما نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللّهِ لا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزاءً وَ لا شُكُوراً...﴾ (انسان: ۵ ـ ۹)

به یقین، ابرار از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند. آنها

به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی مـی‌ترسـند کـه شـر و عذابش گسـترده اسـت و غـذای خـود را بـا آنکـه بـه آن علاقه [و نیاز] دارند به مسکین، یتـیم و اسـیر مـی‌دهنـد [و می‌گویند] ما شما را به‌خاطر خدا اطعـام مـی‌کنـیم و هـیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.. .

بسـیاری از مفسـران، ذیـل آیـات ذکـر شـده از قـول ابن عباس نقل کرده‌اند که این آیات، زمانی نـازل شـد کـه حسنین علیهما السلام بیمار بودند و حضرت علی و فاطمه علیهما السلام بـرای شفای آنان، سه روز روزه نذر کردنـد[1] کـه پـس از شـفای آنان تصمیم به ایفای نذرشان گرفتند. بنـابر ایـن روایـات، علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و کنیز آنان فضّه سه روز پی‌درپـی روزه گرفتنـد کـه هـر روز، هنگـام افطـار بـا درخواسـت مسـتمندانی ـ از مسـکین، یتـیم و اسـیر ـ مواجـه شـده و افطاری خود را ایثار کردند. در پـی ایـن رویـداد بـود کـه خداوند متعال، به‌خاطر تمجید از ایثار اهل‌بیـت علیهم السلام، آیـات ۵ الی ۲۲ سوره انسان را نازل کرد[2] و بـا گـزارش خـود از این ماجرا، آن را در تاریخ انسانیت جاودانه نمود. طبق این

۱. این نذر را با راهنمایی رسول خـدا صلی الله علیه و آله انجـام دادنـد. (ر.ک: روح المعـانی، ذیل سوره انسان).

۲. ر.ک: لبـاب التأویـل، ج۴، ص۳۷۸؛ المسـتدرک علـی الصـحیحین، ج۶، ص۴۱۲؛ تفسیر البغوی، بغـوی، ج۴، ص۴۲۸؛ مـدارک التنزیـل و حقـائق التأویـل، ج۴، ص۴۶۶؛ مفـاتیح الغیـب، ج۳۰، ص۲۴۴؛ الکشـاف، ج۴، ص۶۷۰؛ فتح القدیر، ج۵، ص۳۴۹؛ شواهد التنزیل لقواعـد التفضـیل، ج۲، صص ۲۲۹ و ۲۳۰ در روایات گوناگون.

آیات، خداوند ایثار اهل‌بیت علیهم السلام را پذیرفت و مصونیت آنان از آتش جهنم و بهره‌مندی آنان را از نعمت‌های بیکران الهی ضمانت کرد. در ضمن به احترام بانوی دو عالم، در بیان نعمت‌های بهشتی ـ که نصیب این نیکوکاران می‌شود ـ سخنی از حورالعین به میان نیامد و این خود از لطایف نظریه نزول آیات مورد بحث، درباره نیکوکاران اهل‌بیت علیهم السلام است.[1]

برخی از مفسران با ایجاد تردید در محل نزول سوره انسان، به نفی این برتری‌ها پرداخته‌اند. آنان بر این باورند که تولد حسنین علیهما السلام در مدینه واقع شده و حال آنکه محل نزول سوره انسان در مکه بوده است. در این‌باره سید قطب می‌نویسد: «مکی‌النزول بودن سوره دهر به وضوح تمام معلوم است».[2] ابن کثیر دمشقی، حاکم نیشابوری، نسفی، ابوحیان توحیدی و شنقیطی، از جمله کسانی هستند که به نزول سوره دهر در مکه معتقد هستند.[3] استدلال این گروه بیشتر درباره مفاهیم ابتدایی و انتهایی سوره انسان است که به عقیده آنان، با حال و هوای مکه و اوضاع و احوال ضعف رسول خدا صلی الله علیه و آله تناسب دارد. ازاین‌رو در آیه ۲۴ همین سوره، خداوند به رسول خود،

---

۱. روح المعانی، ج۳، ص۱۵۸.

۲. التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج۱، ص۱۲۲ به نقل از فی ظلال القرآن.

۳. ر.ک: تفاسیر یادشده ذیل سوره الانسان.

دستور به صبر و مدارا داده است.

در نقد این دیدگاه می‌گوییم:

یک ـ بسیاری از مفسران اهل سنت، بر نزول سوره انسان در مدینه تصریح کرده‌اند و به خصوص ذیل آیات: ﴿**یُوفُونَ بِالنَّذْرِ**﴾ ماجرای بیماری حسنین ؉، نذر علی ؈ و فاطمه ؊ برای شفای آنان و دنباله ماجرا را به‌طور کامل نقل کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان از زمخشری، شوکانی، بغوی و... نام برد[1] و تعدادی از مفسران، از جمله سیوطی و ثعالبی، هر دو قول مکی یا مدنی‌بودن سوره را احتمال داده‌اند.[2] ازاین‌رو قول به مکی‌النزول بودن سوره انسان نیز در میان مفسران اهل سنت قطعیتی ندارد و اصل مطلب، اختلافی است.

دو ـ بنابر آیه: ﴿**وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً**﴾ یکی از کسانی که اطعام شده، «اسیر» بوده است. به فرض مکی‌النزول بودن سوره دهر، وجود اسیر در مکه منتفی است؛ زیرا مسلمانان در مکه قدرتی نداشتند که بخواهند اسیر داشته باشند.[3]

ازاین‌رو تمام کسانی که قائل به مکی‌النزول بودن سوره

---

۱. ر.ک: الکشاف، ج۴، ص۶۶۵، تفسیر البغوی، ج۴، ص۴۲۶؛ فتح القدیر الجامع، شوکانی، ج۵، ص۳۴۳.

۲. ر.ک: الابحاز و الایجاز، ثعالبی، ج۳، ص۴۳۰؛ الاتقان، سیوطی، ج۱، ص۵۱.

۳. تفسیر المیزان، ج۲۰، صص۱۲۶ و ۱۲۷.

انسان شده‌اند، در معناکردن «اسیر» به تکلف افتاده و ناگزیر شده‌اند آن را از معنای حقیقی خارج و بر معنای مجازی حمل کنند. آنان برای «اسیر» به مفاهیمی چون: مشرک، بدهکار، زن و همسر و زندانی قائل شده‌اند[۱] که همه آنها خلاف معنای اصلی اسیر ـ که با دارالحرب ملازمه دارد ـ است. این تکلف، به‌گونه دیگری درباره واژه «نذر» نیز دیده می‌شود.

سه ـ به فرض که ابتدا و انتهای سوره انسان با وضعیت پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان در مکه تناسب داشته باشد، این موضوع، لزوماً به‌معنای نفی نزول آیات: ﴿**إِنَّ الْأَبْرارَ يَشْرَبُونَ... إِنَّ هذا كانَ لَكُمْ جَزاءً وَ كانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُوراً**﴾ در شأن اهل‌بیت علیهم السلام نیست. بسا سوره‌ای در مدینه نازل شده و بخشی از آن مکی باشد؛ یا بالعکس، سوره‌ای در مکه نازل شده و بخشی از آن مدنی باشد. به‌خصوص مفسرانی که قائل به «نظریه مستثنیات» هستند، برای این موضوع مانعی نمی‌بینند. علامه طباطبایی با اعتقاد به چنین دیدگاهی می‌نویسد:

> **این سوره، به شهادت سیاقی که دارد، یا همه‌اش یا حداقل اوایل آن که دوازده آیه است، در مدینه و نُه آیه ذیلش در مکه نازل شده است. روایات ائمه اهل‌بیت علیهم السلام**

---

۱. ر.ک: تفسیر القرآن العظیم، ج۴، ص۴۸۵؛ الکشاف، ج۴، ص۶۶۸.

همه متفق‌اند بر اینکه این سوره، در مدینه نازل شده و روایات اهل سنت هم در این‌باره بسیار زیاد است.[۱]

چهار ـ این موضوع که چون در آیات سوره انسان، از نعمت‌های بهشتی سخن به میان آمده یا در آیاتی از سوره، رسول خدا صلی الله علیه و آله به صبر و مدارا توصیه شده است، قرائن مکی‌النزول بودن سوره قلمداد شود، دلیل درستی نیست؛ زیرا موارد یادشده به سوره‌های مکی اختصاص ندارد. بسا در سوره‌های مدنی، مانند سوره‌های حج و رحمن، به تفصیل از نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنم سخن به میان آمده است؛ چنان‌که صبر و مدارا نیز به سوره‌های مکی اختصاص ندارد. برای نمونه خداوند در سوره کهف به رسول خود می‌فرماید: ﴿**وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ**﴾ و این آیه، به حکم روایات در مدینه نازل شده است.[۲]

---

۱ تفسیر المیزان، ج۲۰، صص ۱۲۰ و ۱۳۳.

۲. ر.ک: همان، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.



جایگاه فاطمه زهرا عليها السلام
در حدیث و تاریخ

غیر از روایات تفسیری، احادیث بسیاری در فضـایل و مناقب حضرت زهرا عليها السلام از رسول خـدا صلى الله عليه وآله وارد شـده کـه بیانگر ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه عليها السلام و جایگاه ویژه آن حضرت، نزد رسول گرامی صلى الله عليه وآله است. جدا از روابط عاطفی پدر و فرزندی که فاطمه عليها السلام را محبوب‌ترین شـخص نـزد پیامبر صلى الله عليه وآله نشان می‌دهد، این روایات، بیـانگر ویژگـی‌هـای مهمی از ابعاد گوناگون شخصیت حضرت فاطمه عليها السلام است که به چند ویژگی مهم آن[1] می‌پردازیم:

الف) سرور بانوان دو عالم

حضرت فاطمه عليها السلام برترین بانوی دو عـالم اسـت. ایـن موضوع در روایات زیادی منعکس شـده اسـت؛ از جملـه

---

۱. السیدة فاطمة الزهرا عليها السلام، مهران بیومی، ص۱۵۳ به بعد.

عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت خطاب به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

يا فاطِمَةُ ألا تَرضينَ أنْ تَكوني سيدةَ نِساءِ الْعالَمِينَ وَ سَيدةَ نِساءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ سَيدةَ نِساءِ الْمُؤمنين.[1]

ای فاطمه، آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان باایمان باشی.

در برخی روایات، برتری فاطمه زهرا علیها السلام بر دیگر زنان موهبتی آسمانی تعبیر شده است؛ چنان‌که حذیفة بن یمان نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

فرشته‌ای از آسمان فرود آمد و از خدا اجازه خواست که ارمغانی برای من آورد که کسی قبل از او نازل نکرده است. او به من بشارت داد که فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشت است.[2]

برتری فاطمه زهرا علیها السلام بر دیگر زنان، به مناسبت‌های مختلف وارد شده است. مهم‌ترین آنها روایاتی است که درباره رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در پی آن رحلت فاطمه زهرا علیها السلام ـ به‌عنوان نخستین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق خواهد شد ـ وارد شده است. در این‌باره ام‌سلمه و عایشه روایت کرده‌اند:

فاطمه زهرا علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله رازی با

---

۱. المستدرک، ج۳، ص۳۶۶.

۲. همان، ص ۳۶۳.

او در میان نهاد که فاطمه عليها السلام گریست. سپس راز دیگری با آن حضرت در میان نهاد که وی خندید. من درباره این ماجرا پرسیدم. حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: «نخستین‌بار رسول خدا صلی الله علیه وآله به من خبر داد که او امسال از دنیا خواهد رفت و من با شنیدن آن گریستم و بار دوم، خبر داد که من نخستین کسی هستم که به او ملحق خواهم شد و به این جهت خندیدم».[1]

در همین گفت‌وگو بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله برتری حضرت فاطمه عليها السلام را بر همه زنان عالم اعلام کرد. همچنین عایشه می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در آن بیماری که منجر به وفات ایشان گردید، خطاب به حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: «آیا خشنود نیستی که سرور زنان بهشت یا سرور زنان عالمیان باشی».[2]

بخاری نیز، در صحیح خود فراز پایانی روایت را چنین نقل می‌کند: «آیا خشنود نیستی که سرور زنان مؤمن یا سرور زنان امّت من باشی».[3]

در برخی روایات، برتری حضرت فاطمه عليها السلام

---

۱. الصحیح، ج۵، ص۸۳؛ المستدرک، ج۴، صص۱۹۰۲ ـ ۱۹۰۵؛ الطبقات الکبری، ج۲، ص۱۹۰ و ج۸، ص۲۲؛ اسدالغابه، ج۶، ص۲۲۴؛ مناقب اهل‌البیت، ابن المغازلی، ص۴۲۴.

۲. المسند، ص۲۳۹؛ سنن الترمذی، ج۵، ص۶۵۷؛ فضائل فاطمة الزهرا عليها السلام، ص۵۹؛ المستدرک، ج۳، ص۳۶۶.

۳. الصحیح، ج۷، ص۱۴۲.

تحت‌الشعاع برتری حضرت مریم قرار گرفته است؛ چنان‌که ابوسعید خدری از پیامبرﷺ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

... فاطِمَةُ سَیدةُ نِساءِ أهلِ الجَنَّةِ إلّا ماکان مِن مَریمَ بنتِ عمرانَ.[1]

فاطمه سرور زنان بهشتی است، جز مقامی که برای مریم دختر عمران وجود دارد.

پایه و اساس این دسته از روایات، ظاهراً با توجه به آیاتی است که به مقام برگزیدگی حضرت مریم بر زنان عالم تأکید می‌کند[2]؛ با این تصور که مراد از «عالمین» در آیه یاد شده، تمام قرون و اعصار است. غافل از آنکه مطابق استعمال قرآن، کلمه «عالمین» که درباره بنی‌اسرائیل نیز به کار رفته است[3]، مراد همان عصر و زمان حضرت مریم است، نه زمان‌های دیگر. در ضمن، در روایات دیگری که درباره برتری حضرت فاطمهؑ وارد شده است، به این موضوع تصریح شده است. از جمله عمران بن حصین نقل می‌کند:

روزی فاطمه زهراؑ بیمار بود. به همراه رسول خداﷺ از آن بانو عیادت کردم. رسول خداﷺ، ضمن صحبت

---

۱. الدرالمنثور، ص۱۴۶، ح۱۳۱.

۲. ر.ک: (آل عمران: ۴۲).

۳. ر.ک: (بقره: ۴۷ و ۱۲۲).

فرمود: «... **اي بنية اما ترضين ان تكوني سيدة نساء العالمين**»؛ «فرزندم خشنود نمی‌شوی که سرور زنان عالم باشی؟»؛ حضرت فاطمهﷺ عرض کرد: «ای پدر، کاش چنین باشد؛ اما مریم، دختر عمران چه وضعیتی دارد؟» پیامبرﷺ فرمود: «دخترم او سرور زنان عصر خود بود و تو سرور زنان عالم خود هستی...».[1]

همچنین در برخی روایات، حضرت فاطمهﷺ را سرور زنان دو عالم، سرور زنان این امت و سرور زنان مؤمنان وصف کرده‌اند[2]؛ اما با توجه به گستردگی امت پیامبرﷺ و ابدی‌بودن دین آن سرور، برتری مطلق حضرت فاطمهﷺ بر سایر زنان نتیجه‌گیری می‌شود.[3] علاوه بر این، می‌توان در برتری حضرت فاطمهﷺ از حضرت مریم، به تفاوت کیفیت تولد و نشوونمای هر دو اشاره کرد. اگر زکریای پیامبرﷺ تربیت حضرت مریم را بر عهده گرفت[4]، درباره حضرت فاطمهﷺ به‌طوری که خواهد آمد، رسول خداﷺ که افضل بشر و پیامبران است، عهده‌دار تربیت و هدایت ایشان شدند.[5]

---

۱. فضائل فاطمة الزهرا، ص ۶۴؛ مناقب اهل‌البیت، ص۴۷۴.

۲. المستدرک، ج۳، ص۳۶۶.

۳. ر.ک: السيدة فاطمة الزهراﷺ، ص۱۵۳؛ سخنی شیوا در برتری حضرت زهراﷺ، صص۱۰۷ ـ ۱۲۶.

۴. ر.ک: (آل عمران: ۳۷).

۵. ر.ک: فاطمة الزهرا شخصيتها، ظلامتها، هنداوی، ص۱۲۰.

ب) حضرت زهرا علیها السلام، محبوب پیامبر صلی الله علیه وآله

رسول خدا صلی الله علیه وآله حضرت فاطمه علیها السلام را بسیار دوست داشت و این دوستی را بارها به زبان آورد؛ به طوری که در عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه وآله به اطرافیان، کسی به حضرت زهرا علیها السلام نمی‌رسید. عبدالله بن بریده از پدرش نقل می‌کند که محبوب‌ترین زن‌ها نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله، فاطمه علیها السلام و محبوب‌ترین مردان، علی علیه السلام بود.[۱] این موضوع در روایات دیگر از عمر و عایشه نیز نقل شده است.[۲] حضرت فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله حتی از علی علیه السلام نیز محبوب‌تر بوده است. در این‌باره علی علیه السلام می‌فرماید:

> من از رسول خدا صلی الله علیه وآله پرسیدم که از بین ما دو نفر (من و فاطمه) کدام یک را بیشتر دوست دارید؟ حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «فاطمه نزد من، دوست‌داشتنی‌تر از تو و تو نزد من، عزیزتر از اویی».[۳]

از نشانه‌های این دوستی عمیق آن بود که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله قصد سفر می‌کرد، فاطمه زهرا علیها السلام آخرین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه وآله از او خداحافظی می‌کرد و هنگامی که از سفر باز می‌گشت، نخستین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه وآله به

---

۱. المستدرک، ج۳، ص ۳۶۵.
۲. همان، صص ۳۶۵ و ۳۶۷.
۳. اسدالغابة، ج۶، ص۲۲۴؛ فضائل فاطمة الزهرا علیها السلام، ص۸۴؛ حیاة فاطمة علیها السلام، شلبی، ص۹ به نقل از المعجم الکبیر، ج۴، ص۱۷۹. خصائص امیرالمؤمنین، نسایی، ص۱۹۶.

دیدارش می‌رفت و او را می‌بوسید.[۱] عایشه می‌گوید:

کسی را ندیدم که از جهت منطق و کلام، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شبیه‌تر از فاطمه علیهاالسلام باشد. هنگامی که فاطمه علیهاالسلام بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد می‌شد، آن حضرت برخاسته، به او خوش‌آمد می‌گفت، وی را می‌بوسید و بر جای خود می‌نشاند.[۲]

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به جهت تأکید بر محبت خود به حضرت زهرا علیهاالسلام مکرر اعلام می‌کرد: «**فاطمةٌ بَضعةٌ مِنّي مَنْ أَحَبَّها فَقَدْ أَحَبَّني وَ مَنْ أبغضَها فَقَدْ أبغَضَني**» یا «**اِنَّما فاطمةُ شَجنةٌ مِنّي يَبسُطُني ما يَبسُطُها و يَقبِضُني ما يَقبِضُها**».[۳] این سخنان، ضرورت دوستی دیگران را نیز به فاطمه زهرا علیهاالسلام آشکار می‌کند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای ابراز دوستی خود به آن حضرت می‌فرمود: «**فداكِ أَبي و أُمّي**»[۴] و نیز خطاب به حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: «خداوند از غضب تو غضبناک و از خشنودی تو خشنود می‌شود».[۵]

به هر حال، محبت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به فاطمه علیهاالسلام چنان آشکار

---

۱. المستدرک، ج۳، ص۳۶۴؛ اسد الغابة، ج۶، ص۲۲۴؛ الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، صص ۴۸ و ۴۹؛ ر.ک: السیدة فاطمه الزهراء، ص۱۵۸؛ فاطمه زهرا علیهاالسلام در کلام اهل سنت، هاشمی، صص۳۰۷ ـ ۳۳۹ با عنوان: محبت و دوستی پیامبر به فاطمه علیهاالسلام هر دو با استناد به روایات متعدد.
۲. المستدرک، ج۳، ص۳۶۶.
۳. ر.ک: فاطمه زهرا علیهاالسلام در کلام اهل‌سنت، ص۳۱۲.
۴. المستدرک، ج۳، ص۳۶۶.
۵. همان، ص۳۶۴.

بود که عمر نیز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: «ای فاطمه، به خدا ندیدم کسی محبوب‌تر از تو نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد و به‌خدا بعد از پدرت کسی هم نزد من، دوست داشتنی‌تر از تو نیست...»[1] و حضرت زهرا علیها السلام هم در احتجاج خود با ابوبکر و عمر، از دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله با خود، سخن گفت و ناخشنودی خود را از آنان اعلام کرد.[2]

برخی از راویان اهل سنت، شیطنتی مرتکب شده و سبب صدور حدیث: «**إِنَّ فاطِمَةَ بَضعَةٌ مِنِّي...**» را تصمیم ازدواج علی علیه السلام با دختر ابوجهل دانسته‌اند؛ برای نمونه عبدالله بن زبیر که در دشمنی با علی علیه السلام و اهل‌بیت او شهرت دارد و از مسببان اصلی جنگ جمل علیه علی علیه السلام است، ادعا کرد:

> در نوبتی علی علیه السلام یادی از دختر ابوجهل کرد [و تصمیم گرفت از او خواستگاری کند]. این مطلب به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و فرمود: «**اِنَّما فاطِمةُ بَضعةٌ مِنّي يُؤذيني ما آذاها وَ يُنصِبُني ما أنصَبَها**».[3]

اما در دروغ بودن این حدیث، همین بس که اولاً

---

۱. المستدرک، ج۳، ص۳۶۵.

۲. ر.ک: فاطمة بین النبوة والامامة، معاش، ص۱۴۹ به نقل از الامامة و السیاسة ابن قتیبه دینوری.

۳. فضائل فاطمة الزهرا، ص۷۱.

علی علیه السلام خود از مصداق‌های اهل‌بیت و دارای مقام عصمت است؛ پس هرگز مرتکب خلاف شرع نمی‌شود؛ به‌خصوص اینکه کاری خلاف نظر و رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام نمی‌دهد؛ ثانیاً به فرض آنکه علی علیه السلام بنابر احکام و ضوابط شرعی، چندین همسر اختیار می‌کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله واکنش تند و غیرطبیعی از خود بروز نمی‌داد.[1]

فلسفه دوستی عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله با فاطمه زهرا علیها السلام و علی علیه السلام چه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در نقطه اوج این دوستی، خطاب به آنان فرمود: «**أَنَا حَربٌ لِمَن حارَبكُم وَ سِلمٌ لِمَن سالَمَكُم**».[2] آیا غیر از این است که فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام به سبب شخصیت ایمانی و اعتقادی که داشتند، مورد توجه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. در حقیقت، اشتراک فکری آنان با پیامبر صلی الله علیه و آله سبب پیوند روحی ـ معنوی ویژه‌ای گردید. (چنان‌که طبق آیه مباهله، علی علیه السلام نفس پیامبر به شمار آمده است.) در غیر این‌صورت شأن پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر از آن است که به صِرف احساس پدر و فرزندی، رابطه‌ای

---

۱. ر.ک: نقد اخبار ازدواج مجدد امام علی علیه السلام در زمان پیامبر، رضیه سادات سجادی، مقالات و بررسی‌ها، شماره۷۴، صص ۱۳۹ ـ ۱۵۲؛ قرآن در قرآن، مجتبی محمودی، صص۲۴۷ و ۲۴۸ پاورقی نقد روایات ادعای ازدواج علی علیه السلام با دختر ابوجهل.

۲. مناقب اهل‌البیت، ص۱۲۷؛ اسدالغابه، ج۶، ص۲۲۵؛ سنن الترمذی، ج۵، ص۶۵۶؛ المستدرک، ج۳، ص۳۵۹.

عاطفی با دختر خود برقرار کند و همگان را نیز بـه چنـین دوستی و محبتی فرا خواند.

ج) حضرت زهراعليها‌السلام تربیت شده پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله

پس از تولد حضرت مریم، خداوند زکریا را سرپرست و مسئول تربیت وی قرار داد؛ زیرا تقدیر خداونـد آن بـود که حضرت مریم، مادر عیسی شود. حـال بایـد گفـت کـه بنابر همان تقدیرالهی، مقـدر بـود کـه حضـرت فاطمـهعليها‌السلام کوثر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، همسر ولی خدا و مـادر یـازده نسـل پاک از حجت‌های خدا شود. ازاین‌رو برای پرورش چنـین وجود شریفی، نظارت و مراقبتی ویژه، حتی قبـل از تولـد، انجام شده اسـت. حـاکم نیشـابوری، از سـعد بـن مالـک روایت می‌کند که وی گفت:

> **رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «در شب معـراج، جبرئیـل سـیبی از بهشت به من تعارف کرد که آن را خـوردم و پـس از آن خدیجه به فاطمهعليها‌السلام باردار شد. پس هرگاه مشتاق بهشت می‌شوم، بوی آن را از فاطمهعليها‌السلام استشمام می‌کنم».[1]**

حضرت پیـامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله پـس از تولـد دختـر خـود، وی را فاطمه نام نهاد که به معنـای جـدا شـده اسـت و در وجـه تسـمیه آن بایـد گفـت: روایـات متعـددی هسـت کـه آن

۱. المستدرک، ج۳، ص۳۶۶؛ فاطمه زهراعليها‌السلام در کـلام اهـل‌سـنت، صـص۳۹ ـ ۴۹.

حضرت را به دلیل پاکی و طهارت، نجات‌یافته از آتش معرفی می‌کند؛ مانند این حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که فرمود:

إِنَّ فاطمةَ أَحصَنَتْ فَرجَها فَحَرَّمَ اللهُ ذُرِّيَّتَها عَلَى النّارِ.[۱]

فاطمه پاکدامن بود، پس خداوند آتش را بر فرزندان او حرام کرد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسیر تربیت حضرت زهرا علیهاالسلام صفات و ابعاد انسانی و معنوی را در وجود او نهادینه کرد. به‌خصوص وی را با صفت زهد آشنا کرد؛ به‌گونه‌ای که با مشکلات زندگانی دست و پنجه نرم کند و از دنیا، فقط به اندازه نیاز بهره ببرد.

ثوبان نقل می‌کند که من با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به دیدار فاطمه علیهاالسلام رفتم. آن حضرت گردن‌بندی از طلا به گردن داشت که با دیدن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کرد: «این را ابوالحسن (علی) به من هدیه کرده است». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «آیا خرسند می‌شوی که مردم تو را فاطمه، دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بشناسند و زنجیری از آتش بر گردن تو باشد؟»

پس آن حضرت برخاست و از خانه حضرت فاطمه علیهاالسلام خارج شد. فاطمه علیهاالسلام پس از رفتن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله زنجیر را فروخت و با پول آن غلامی را آزاد کرد.

---

۱. المستدرک، ج۳، ص۳۶۳.

این موضوع به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و فرمود: «سپاس پروردگاری را که فاطمه علیها السلام را از آتش نجات داد».[۱] در این ماجرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزدیکان خود مانند صفیه و فاطمه زهرا علیها السلام پیام داد که باید خود مراقب اعمالشان باشند و فقط به امید شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله نباشند. ازاین‌رو فرمود:

یا صَفیةُ بنتَ عَبدِالمطّلبِ، یا فاطِمةُ بِنتَ مُحمدٍ اعمَلا فَاِنّي لَااُغني عَنکُما مِنَ اللهِ شیئاً.[۲]

ای صفیه و ای فاطمه خود تلاش کنید؛ زیرا من نمی‌توانم چیزی از نیاز شما را (شفاعت) در برابر خداوند برآورده سازم.

به موازات چنین تربیتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله روح و روان فاطمه علیها السلام را با ذکر و یاد خدا پرورش داد. برای همین، هنگامی که آن حضرت از سختی زندگانی، اندکی شکایت کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به‌جای کمک مادی، تسبیحات معروف شامل ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمدلله و ۳۳ مرتبه سبحان الله را به او یاد داد[۳] و به‌ویژه به او و حضرت علی علیه السلام سفارش کرد که هر شب قبل از خواب، آن را بگویند.

علی علیه السلام می‌گوید: «به خدا قسم، از زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این ذکر را به ما آموخت، یک شب هم آن را ترک

---

۱. المستدرک، ج۳، صص۳۶۲ و ۳۶۳.
۲. مسند فاطمة الزهرا و ماورد فی فضلها، سیوطی، ص۶۳.
۳. فاطمة بین النبوة والامامة، ص۶۳.

نکردم». راوی حدیث «عبدالرحمان بن ابی‌لیلی» می‌گوید: در ذهنم گذشت که آیا علی علیه السلام شب صفین هم آن ذکر را ترک نکرد که علی علیه السلام به من گفت: «حتی شب صفین هم این ذکر را ترک نکردم».[1]

امام صادق علیه السلام نیز تسبیحات فاطمه علیها السلام را از مصداق‌های ذکر کثیر بیان کردند و شیعیان را بر مداومت بر آن ترغیب نمودند.[2]

درباره سیره عبادی حضرت فاطمه علیها السلام مطالب دیگری در ادامه خواهد آمد.

---

۱. المستدرک، ج۳، ص ۳۶۲.

۲. زرارة بن اعین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «**تَسبیحُ فاطِمَةَ الزَّهراءِ** علیها السلام **مِنَ الذِّکرِ الکَثیرِ الَّذي قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: «اذکُرُوا اللهَ ذِکراً کَثیراً**». ر.ک: الکافی، کلینی، ج۲، ص ۵۰۰.



منظومه اعتقادی حضرت زهرا علیهاالسلام

نخستین موضوع درباره شناخت نظام اعتقادی حضرت زهرا علیهاالسلام این است که او شاگرد مکتب وحی بود و در خانه‌ای پا به عرصه وجود گذاشت و پرورش یافت که محل فرود وحی بود. ازاین‌رو، ایشان شاهد مستقیم آمدوشد ملائکه و نزول آیات قرآن بر پدر بزرگوار خود بود. فاطمه زهرا علیهاالسلام خود، موضوع نزول بسیاری از آیات قرآن است که این آیات، گویای شخصیت ملکوتی آن حضرت در عرصه‌های اعتقاد و عمل به‌شمار می‌رود. از جمله این آیات، چنان‌که گذشت، آیه تطهیر است[1] که طبق آن، حضرت زهرا علیهاالسلام از مصداق‌های اهل‌بیت بوده، بلکه در کانون آن قرار دارد.[2] براساس همین آیه، حضرت زهرا علیهاالسلام

---

۱. ر.ک: (احزاب: ۳۳).

۲. سنن الترمذی، ج۵، ص ۳۲۸؛ المسند ابن حنبل، ج۶، ص۲۹۳؛ المستدرک، ج۳، ص۳۵۷ و ج۴، ص۱۸۸۳؛ جامع البیان، ج۱۲، ص۶ و مدارک دیگر.

از طهارت قلبی و مقام عصمت برخوردار است.[1] همچنین براساس آیه: ﴿لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ دانای به حقایق ظاهری و باطنی قرآن بوده‌اند.[2]

علاوه بر آن، طبق نصوص وارده از امام صادق علیه‌السلام که می‌فرماید:

اِنَّما سُمِّیَتْ فاطمةُ علیهاالسلام مُحَدَّثةً لِأنَّ الملائکةَ کانَتْ تَهبطُ مِنَ السَّماءِ فَتُنادیها کَما تُنادي مریمَ بنتَ عمرانَ.[3]

فاطمه علیهاالسلام، محدثه نامیده شد، زیرا فرشتگان از آسمان فرود می‌آمدند و او را به مانند مریم، دختر عمران مورد خطاب قرار می‌دادند.

و نیز «**فاطمةُ بِنتُ رسولِ الله مُحَدَّثةٌ وَ لَمْ تَکن نَبیة**»[4]؛ «**فاطمه علیهاالسلام دختر رسول خدا، محدثه بود و پیامبر نبود**».

حضرت زهرا علیهاالسلام از مصداق‌های «محدثان» به‌شمار می‌رود. محدث کسی است که قادر به شنیدن سروش غیبی است؛ هرچند مانند رسول و نبی در بیداری و خواب ملائکه را نبیند.[5] امام صادق علیه‌السلام فرمود:

فاطمه زهرا علیهاالسلام بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ۷۵ روز زندگی کرد. در این مدت، جبرئیل نزد او می‌آمد و وی را تسلا

---

۱. ر.ک: المیزان، ج۱۶، ص۳۱۲ و نیز، سیمای حضرت زهرا در روایات اهل تسنن، ص۴۴۵.
۲. المیزان، ج۱۹، ص۱۳۷.
۳. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۶.
۴. علل الشرایع، صدوق، ج۱، صص۲۱۶ و ۲۱۷.
۵. الکافی، ج ۱، ص ۲۷۱.

می‌داد. جبرئیل برای آرامش حضرت فاطمه عليها السلام مقامات پدرش را برمی‌شمرد و او را از وقایعی که در نسل و ذریه‌اش پیش خواهد آمد، باخبر می‌کرد. علی عليه السلام همه را ثبت می‌فرمود و این‌گونه بود که مصحف فاطمه عليها السلام شکل گرفت.[۱]

با چنین بررسی‌ای در شخصیت حضرت زهرا عليها السلام آشکار می‌شود که معرفت آن حضرت از حقایق عالم یا باورها و عقاید اسلامی، فقط از سنخ معلومات اکتسابی نبوده، بلکه آن بزرگوار، از علوم لدنی برخوردار بوده است. این سنخ از دانش، به دلیل خطاناپذیری، صاحب خود را در شمار حجت‌های الهی قرار داده و موجب می‌شود که قول و فعل آنها نیز قابل احتجاج باشد. ازاین‌رو حضرت زهرا عليها السلام هم خود راوی و محدث احادیث رسول خدا صلی الله عليه وآله بوده[۲] و هم گزارش قول و فعل خودشان، از مصداق‌های حدیث می‌باشد و قابل استناد است.

درسی از مکتب فکری حضرت زهرا عليها السلام

در این بخش، برای آشنایی مختصر با نظام فکری حضرت زهرا عليها السلام و نیز درس گرفتن از مکتب آن بزرگوار، خطبه‌ای را که آن بانو در موضوع توحید و نبوت در

---

۱. الکافی، ج۱، صص۲۴۰ و ۲۴۱.

۲. ر.ک: مسند الزهراء.

مسجد بیان فرمود، می‌آوریم. شایسته است، در این خطبه بررسی‌های عمیق‌تری انجام شود.

حضرت پس از ذکر خطبه‌ای در مدح و ثنای پروردگار عالم، با تأکید بر نعمت‌های بیکران خداوند ـ آن‌سان‌که در آداب دعا وارد شده است ـ فرمود:

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست. یگانه‌ای که شریک ندارد. این کلامی است که تأویل و نتیجه آن اخلاص است. درک توحید را ویژه دل‌ها قرارداد و آنچه را عقل بدان پی می‌برد، در اندیشه‌ها ظاهر نمود. خدایی که رؤیتش با دیدگان، وصفش با زبان‌ها و درک کیفیتش با اوهام و خیال‌ها ناممکن است. اشیا را بی‌آنکه مسبوق به سابقه‌ای باشند، آفرید. و آنها را بدون آنکه از نمونه‌هایی الگو گرفته باشند، ایجاد نمود. همه را به قدرت خود هستی بخشید و به مشیت خود آفرید. بی‌آنکه به وجود آنها نیازمند باشد و صورت بخشیدن به آنها برای وی سودی داشته باشد. مگر آنکه اثباتی باشد بر حکمتش، و اشارتی باشد بر طاعتش و اظهاری برای قدرتش و عبودیتی برای مخلوقاتش و تحکیمی برای دعوتش. آن‌گاه بر طاعت خویش پاداش قرار داد و بر معصیت خویش، کیفر مقدر فرمود جهت دورسازی بندگان از عذابش و سوق‌دادن آنان به مسیر بهشتش.[1]

---

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج۱، صص۹۸ و ۹۹.

و نیز در شهادت بر نبوت پدر بزرگوارش فرمود:

گواهی می‌دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله، بنده و فرستاده خداست. او را پیش از فرستادن به رسالت برگزید و پیش از گزینش، بلند مقام ساخت و پیش از مبعوث گرداندن، مصطفی گردانید آن‌گاه که موجودات در غیب، مکنون و پوشیده بودند و در پرده‌های هولناک مصون بودند و به نهایت نیستی مقرون؛ چون خداوند به عاقبت امور آگاه بود و به حوادث روزگار احاطه داشت و به مواقع امور محیط و مسلط بود. خداوند محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت، جهت اتمام امرش و عزیمتی باشد جهت امضای حکمش و تنفیذی بر مقدرات حتمی‌اش. آن‌گاه که امت‌ها را در دینشان پرتفرقه یافت و آنها را بر آتش معتکف دید، چه، پرستشگر بت‌های خود، و منکران خدا با وجود شناخت او بودند. پس خداوند به وسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله ظلمات آنها را روشن کرد، مبهمات را از دل‌های آنها برداشت و پرده‌های تیرگی را از دیدگانشان زدود. پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت انسان‌ها به پا خواست، آنها را از گمراهی نجات داد، از کوردلی به بصیرت رساند، آنان را به دین استوار هدایت کرد و به صراط مستقیم دعوت فرمود تا وقتی که خداوند او را به سوی خود فرا خواند... .[1]

---

۱. الاحتجاج، ج۱، ص۹۹.



حضرت زهرا عليها السلام و دفاع از رسالت و ولایت

چنان‌که گذشت، برخی روایات، حضرت فاطمه عليها السلام را شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله وصف کرده‌اند؛ اما آیا این شباهت، فقط در صفات ظاهری مانند رنگ، چهره و دیگر مشخصات ظاهری بوده است؟ قطعاً چنین نیست، بلکه مراد از آن، شباهت در صفات انسانی و خصوصیات ایمانی مانند راستگویی، ترس از خدا، شوق به عبادت، داشتن تعهد انسانی و مسئولیت‌پذیری بوده است. یکی از وجوه شباهت حضرت فاطمه عليها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله، مجاهدت‌های حضرت زهرا عليها السلام در دفاع از حق و حقیقت است که این موضوع، در دوره‌های مختلف زندگانی آن حضرت جلوه‌گر است؛ به‌طوری که می‌توان نمونه‌هایی از این مجاهدت‌ها را در دوران رسالت و پس از آن برشمرد.

الف) دفاع از رسالت

در این دوران، به‌ویژه پس از وفات حضرت خدیجه، حضرت زهراعلیهاالسلام مراقب پدر بزرگوارش بود و در شناخت توطئه‌های دشمنان و خنثاکردن آنها تلاش می‌کرد. ابن‌عباس نقل می‌کند:

> هنگامی که مشرکان قریش، در حجر اسماعیل گرد آمدند و با هم قرار گذاشتند که با آمدن محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله هرکدام ضربه‌ای به او وارد کنند و حضرت را از بین ببرند، حضرت فاطمه‌علیهاالسلام از ماجرا خبردار شد و خدمت پدر رسید و عرض کرد: «ای پدر، مشرکان قریش علیه شما در حجر جمع شده‌اند». رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «دخترم تو در خانه باش»، سپس خارج شد و به مسجدالحرام رفت. مشرکان با دیدن رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله سرهای خود را به زیر افکندند. رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله مشتی ریگ به سوی آنان پرتاب کرد و فرمود: «رویتان سیاه باد».

راوی گوید: «به احدی از آنان، ریگی اصابت نکرد، مگر آنکه در جنگ بدر هلاک شد».[1]

بنابر شواهد دیگر، آن‌گاه که مشرکان، به رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله آسیب می‌رساندند، حضرت فاطمه‌علیهاالسلام با دست‌های کوچک خود، خاک‌ها و حتی خون را از چهره مبارک پدر

---

۱. المستدرک، ج۳، ص۳۶۷.

پاک می‌کرد.[1] حضرت زهرا(س) در شعب ابی‌طالب نیز همراه پدر بود و در مشکلات این دوره از رسالت، با رسول خدا(ص) شریک شد. در سن هشت سالگی در شمار مهاجران قرار گرفت، در بسیاری از جنگ‌ها از جمله بدر و احد حضور داشت، به یاری مجروحان شتافت[2] و در نهایت، برای دفاع از رسالت، به‌خصوص مراقبت از پدر، به «ام ابیها» ملقب گردید.[3]

ب) دفاع از ولایت

پس از رحلت رسول خدا(ص) دوران سختی از زندگانی حضرت فاطمه(س) فرا رسید. از دست‌دادن پدر از یک‌سو و ظلم‌هایی که به او و علی(ع) روا داشتند از سوی دیگر، فشارهای بسیاری را متوجه زهرا(س) کرد. با این حال آن حضرت لحظه‌ای از حق‌طلبی و دفاع از حریم ولایت دست نکشید. روایات بسیاری وارد شده است که آن حضرت، به دلیل غصب فدک، به ابوبکر غضبناک شد و از او فاصله گرفت و از صحبت کردن با خلیفه خودداری کرد تا آنکه از دنیا رفت.[4] ابن اثیر در کتاب «منال الطالب»

---

۱. الطبقات الکبری، ج۲، ص۳۶؛ حیاة فاطمه(س)، صص۱۱ و ۲۲۱ به نقل از ابن حنبل.

۲. ر.ک: الطبقات الکبری.

۳. ر.ک: فاطمة الزهرا شخصیت‌ها ظلامتها، صص ۳۳ ـ ۴۰.

۴. الصحیح، ج۵، صص ۸۶ و ۲۵۲.

تصریح می‌کنند که حضرت زهراعلیهاالسلام برای شکایت و دادخواهی از ابوبکر، دو خطبه ایراد کرد: یکی از خطبه‌ها به روایت زینب، دختر علیعلیه‌السلام چنین آغاز می‌شود: «... **ثُمَّ قَالتْ أَنَا فاطِمَةُ وَ أَبِي مُحمدٌ أَقولُها عَوداً عَلى بَدءٍ...**».[1]

همچنین در جمع مهاجران و انصار، چنان خطابه‌ای بیان فرمود که همگان به گریه افتادند. آن حضرت پس از حمد و ثنای الهی که با این عبارات: «**الحمدلله علی ما انعم و له الشکر علی ما الهم و الثناء بما قدم من عموم نعم ابتداءها و...**» آغاز می‌شد، فرمود:

> ای پسر ابی‌قحافه، آیا در کتاب خدا وارد شده است که تو می‌توانی از پدر خود ارث ببری و من نمی‌توانم؟! قطعاً سخنی افتراگونه گفته‌ای. آیا به عمد کتاب خدا را ترک کرده و دستورات آن را پشت‌گوش انداخته‌ای که می‌فرماید: ﴿**وَ وَرِثَ سُلَيْمانُ داوُدَ**﴾ یا حضرت زکریا از خداوند فرزندی طلبید که از او و آل یعقوب ارث برد؟ و... .[2]

همچنین برای دفاع از حریم ولایت، آن حضرت، شب‌ها با انصار دیدار می‌کرد و خبرهای بیعت مردم با علیعلیه‌السلام را در غدیرخم بازمی‌گفت. انصار می‌گفتند: «اگر

---

۱. ر.ک: احراق بیت فاطمه، غیب غلامی، صص۶۸ ـ ۷۵ به نقل از منال الطالب و مراجع دیگر.

۲. ر.ک: فاطمة بین النبوة والامامة، ص۱۳۷؛ السیدة فاطمة الزهراعلیهاالسلام، ص۱۳۹.

قبل از بیعت با ابوبکر می‌دانستیم، از بیعت با او خودداری می‌کردیم». علی علیه السلام می‌فرمود: «آیا توقع داشتید که بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر زمین گذاشته و دعوی خلافت راه اندازیم؟» و حضرت زهرا عليها السلام در تأیید علی علیه السلام می‌فرمود: «ابوالحسن جز همان کاری که شایسته بود، انجام نداد و این قوم هم، کاری انجام دادند که خدا به حساب آنان خواهد رسید».[1]

به هر حال، نشانه‌های حق‌خواهی حضرت فاطمه عليها السلام فراوان‌تر از آن است که در جملات و عبارات محدودی بیان شود. بلکه مجال وسیع‌تری را می‌طلبد که امید است توفیق آن فراهم آید.

---

۱. السیدة فاطمة الزهراء عليها السلام، ص۱۳۵.



پاکدامنی و عفاف حضرت زهرا علیهاالسلام

از شاخص‌های ایمان در شخصیت حضرت زهرا علیهاالسلام که به خصوص برای بانوان درس‌آموز است، عفاف و پاکدامنی آن حضرت است. عفاف یعنی پارسایی و پاکدامنی و حفظ خود از هرگونه لغزش و آلودگی. حضرت فاطمه علیهاالسلام طبق آیه: ﴿**إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**﴾ (احزاب: ۳۳) به زینت عصمت آراسته بود[1] که متضمن پاکی مطلق او از هر آلودگی است. پاکدامنی حضرت مریم در آیاتی مانند: ﴿**يا مَرْيَمُ إِنَّ اللّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ...**﴾ (آل عمران: ۴۲) و ﴿**مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَها...**﴾ (تحریم: ۱۲) مورد گواهی پروردگار عالم قرار گرفته است. در این زمینه، عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که فرمود:

---

۱. ر.ک: المیزان، ج۱۶، ص۳۱۲ و نیز همین مقاله: منظومه اعتقادی حضرت زهرا.

إِنَّ فاطِمَةَ اَحصنَتْ فَرجَها فَحَرَّمَ اللهُ ذُرِيَّتَها عَلَى النّار.[۱]

فاطمه دامن خود را [از هر آلودگی] حفظ کرد و خداوند نیز ذریه او را بر آتش حرام کرد [از آتش حفظ کرد].

مجلسی به نقل از «نوادر» راوندی با سند خود از علی علیه السلام نقل می‌کند:

روزی، شخص نابینایی برای ملاقات و ورود به منزل حضرت زهرا علیها السلام اجازه خواست. حضرت در حجاب شده و اجازه فرمود. پیامبر صلی الله علیه و آله از زهرا علیها السلام پرسید: «چرا در حجاب شدی با آنکه او تو را نمی‌بیند»؛ حضرت عرض کرد: «اگر او مرا نمی‌بیند من که او را می‌بینم. در ضمن، قادر به استشمام بو است». در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «گواهی می‌دهم که تو پاره تن منی».[۲]

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود از علی علیه السلام نقل کرده است:

روزی، رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر اصحاب را درباره وضعیت زن جویا شد. گفتند: «زن به منزله عورت و ناموس ماست». رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال دیگری مطرح کرد: «چه هنگامی زن نزدیک‌ترین فاصله را به [درگاه] خدا خواهد داشت؟» ما برای این سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخی نداشتیم. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام از این سؤال با خبر شد، به

---

۱. المستدرک، ج۳، ص۳۶۳؛ مناقب اهل‌البیت، ص۴۱۸.

۲. بحارالانوار، ج۴۳، ص۹۱؛ مناقب اهل‌البیت، ص۴۴۶.

علی علیه السلام عرض کرد: «نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برو و به او خبر بده که نزدیک‌ترین حالت زن به پروردگار خود، زمانی است که او در کنج خانه‌اش مستقر شود». رسول خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن این پاسخ فرمود: «حقا که فاطمه پارهٔ تن من است».[1]

از روایات اخیر، نباید تصور کرد که تفکر اسلام، نشاندن زن در گوشه‌ای از خانه و قطع رابطه با جامعه است؛ زیرا با توجه به سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام و نیز، سیره دختر گرامی‌اش، حضرت زینب که حضور اجتماعی قوی در صحنه عاشورا و حوادث پس از آن داشت، روشن می‌گردد که مراد از این‌گونه روایات، اجتناب زن از حضور زاید در جامعه و اختلاط غیرضرور با نامحرم است که به هر جهت، به شخصیت ایمانی زن آسیب می‌رساند.

---

۱. مناقب اهل‌البیت، ص۴۴۷؛ بحارالانوار، ج۴۳، ص۹۱ به نقل از راوندی.



بررسی سیره عبادی حضرت زهرا علیها السلام

از شاخص‌های ایمان در شخصیت مؤمن، سیره عبادی اوست. عبادت نیز، از مؤثرترین روش‌ها برای رسیدن به کمالات انسانی و مقامات معنوی است که هیچ‌کس، حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن بی‌نیاز نبود؛ چنان‌که خدای منان خطاب به پیامبر خود می‌فرماید:

﴿وَ مِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ عَسی أَنْ یَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُوداً﴾ (اسراء: ۷۵)

و پاسی از شب را [از خواب برخیز] و به تهجد (نماز و قرآن خواندن) بپرداز. این یک وظیفه اضافی برای توست. امید است که پروردگارت تو را به مقامی پسندیده برانگیزد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز، شب‌ها ساعات طولانی را به راز و نیاز با پروردگار خود به سر می‌برد.[۱]

---

۱. ر.ک: (المزمل: ۱ ـ ۵ و 20).

حضرت فاطمه علیهاالسلام، دست‌پرورده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از شوقی بی‌مثال، برای عبادت پروردگار عالم برخوردار بود. برای این موضوع، شواهد بسیاری وجود دارد؛ از جمله آنکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

إنَّ إبنَتـي فاطمـةَ مَـلأَ اللهُ قَلبَهـا و جَـوارِحَهـا إيمانـاً إلى مُشاشِها تَفرَّغَت لِطاعَةِ الله.[1]

خداوند قلب، جوارح و عمق وجود دخترم را از ایمان پر ساخته و وجود او مستغرق در طاعت خداوند است.

در روایتی دیگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در وصف عبادت حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود:

هنگامی که فاطمه علیهاالسلام در محراب خود به عبادت برمی‌خیزد، نور او برای ملائکه آسمان‌ها پرتوافکن می‌شود، همانند پرتوافکنی نور ستارگان برای اهل زمین.[2]

فرزندش امام حسن علیه‌السلام صحنه عبادت مادر را در شب جمعه این‌گونه وصف می‌کند:

مادرم را دیدم که در شب جمعه، به عبادت ایستاد، مرتب در حال رکوع و سجود بود تا آنکه روشنایی صبح سر زد. می‌شنیدم که مردان و زنان مؤمن را دعا می‌کرد، آنها را با نام می‌خواند و برایشان دعا می‌کرد؛ ولی در حق

---

۱. بحارالانوار، ج۴۳، ص۴۶ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب.

۲. امالی، صدوق، مجلس ۲۴، ص۱۰۰.

خود دعا نمی‌کرد. گفتم: «ای مادر چرا برای خود دعا نمی‌کنی آن‌طور که برای دیگران دعا می‌کنی؟» فرمود: «پسرم! اول همسایه، سپس اهل خانه».[1]

نکته دیگر در سیره عبادی حضرت زهرا علیها السلام آنکه آن بزرگوار ساعات پایانی روز جمعه را به دعا کردن اختصاص می‌داد و در ماه رمضان نیز، به شب‌زنده‌داری دهه آخر ـ چونان رسول خدا صلی الله علیه و آله ـ مداومت داشت و همه ساکنان خانه را به احیای شب‌های قدر ترغیب می‌کرد. آن‌گاه خود نیز به دعا و عبادت مشغول می‌شد.[2]

حسن بصری می‌گوید: «در بین امت اسلام، عبادت‌کننده‌ای چون فاطمه زهرا علیها السلام ظاهر نشد. او چنان بر اقامه نماز مداومت کرد که پاهایش متورم شد».[3]

بنابر روایات، رسول خدا صلی الله علیه و آله دستورالعمل‌هایی برای فاطمه زهرا علیها السلام صادر کرد تا با اجرای آنها روحیه عبادی آن حضرت تازه و پرنشاط باقی بماند. یکی از آن موارد، اعطای تسبیح معروف است. در اهمیت این تسبیح همان بس که امام باقر علیه السلام فرمود:

ما عُبِدَ اللهُ بِشَیْءٍ مِنَ التَّمجیدِ أفضلَ مِنْ تَسبیحِ فاطمةَ علیها السلام و لو کان شيءٌ أفضلَ مِنه لَنَحلَه رسولُ الله

---

۱. بحارالانوار، ج۴۳، صص ۸۱ و ۸۲ به نقل از علل‌الشرایع.

۲. همان، ج۹۴، ص۱۰؛ اعلام‌الهدایه، ص۴۲.

۳. بحارالانوار، ج۴۳، صص ۷۶ و ۸۴.

فاطمةَ.[۱]

خداوند از جهت تمجید، به چیزی چون تسبیح فاطمه علیهاالسلام مورد عبادت قرار نگرفته و اگر ذکر دیگری برتر از تسبیح حضرت فاطمه علیهاالسلام بود، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را به دختر خود هدیه می‌کرد.

در روایت دیگر، امام صادق علیه‌السلام تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام را از مصداق‌های ذکر کثیر اعلام کرد[۲] که خداوند در آیه: ﴿**اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً**﴾ (احزاب: ۴۰) آن را از مؤمنان خواسته است.

دستورالعمل عبادی دیگری که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای حضرت زهرا علیهاالسلام صادر کرد، آموزش اذکار قبل از خواب بود. حضرت، خود نقل می‌کند:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر من وارد شد در وقتی که من برای استراحت بستر پهن کرده بودم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ای فاطمه [سعی کن] نخوابی، جز آنکه چهار کار انجام دهی. قرآن را ختم و انبیا را شفیع خود کنی، مؤمنان را از خود راضی کرده و حج و عمره گزارده باشی».

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این را گفت و سپس خود به نماز و مناجات مشغول شد. من صبر کردم تا نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به پایان

---

۱. بحارالانوار، ج۴۳، ص۶۴ به نقل از الکافی.

۲. الکافی، ج۲، ص۵۰۰.

رسید. آن‌گاه گفتم: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به چهار چیز امر فرمودی که انجام دادن آن در هیچ شرایطی میسر نیست». حضرت تبسمی کرده، فرمود: «هرگاه سه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخوانی، مانند آن است که قرآن را ختم کرده‌ای؛ چون بر من و پیامبران قبل از من، صلوات نثار کنی، ما در روز قیامت شفیعان تو خواهیم بود؛ آن‌گاه که برای مؤمنان طلب مغفرت کنی، آنان از تو راضی خواهند گشت و چون به ذکر سبحان الله و الحمدالله و لااله الا الله و الله اکبر مداومت کنی، مثل آن است که حج و عمره گزارده‌ای».[۱]

مصداق‌هایی از عبادت حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌ای می‌فرماید:

خداوند ایمان را مایه تطهیر شما از شرک قرار داد و نماز را وسیله دوری شما از کبر و روزه را سبب تثبیت اخلاص و حج را مایه استحکام دین و عدالت را سبب پیوستگی دل‌ها، و اطاعت از ما را مایه انتظام ملت، و امامت ما را مایه ایمنی از تفرقه و جهاد را مایه عزت اسلام و صبر را عامل کمک به نیل ثواب و امر به معروف و نهی از منکر را وسیله‌ای برای اصلاح عامه (جامعه) و نیکی به والدین را مانع از [نزول] خشم الهی و صله ارحام

---

۱. اعلام‌الهدایه، لجنه التحقیق، ص۲۱۳ به نقل از خلاصه الاذکار.

را عامل طول عمر و افزایش نعمت و قصاص را ضامن حفظ نفوس و وفا به نذر را وسیله‌ای برای دستیابی به آمرزش و... .[1]

از این خطبه، چنین برمی‌آید که آن حضرت، در مسیر عبادت پروردگار، به مصداق‌های کامل آن اشراف داشته است و برای هر عبادتی فلسفه‌ای قائل بوده و انجام دادن آن عبادت را عاملی برای رسیدن به کمالات معنوی می‌دانست. آن بزرگوار، عامل به تمام عباداتی بود که از لزوم انجام دادن آن سخن گفته است. با این حال در سیره عبادی حضرت زهرا علیهاالسلام انجام دادن برخی عبادات، تبلور بیشتری دارد که از جمله آنها می‌توان به گذشت در راه خدا و انفاق مداوم اشاره کرد.

گذشت و انفاق در سیره عبادی حضرت زهرا علیهاالسلام

به‌طوری که گذشت، براساس مفهوم آیات سوره دهر(۵-۲۲) حضرت فاطمه علیهاالسلام از مصداق‌های ابرار است. ابراری که به نذر خود وفا می‌کند[2] و هنگام ایفای نذر ـ که انجام سه روز روزه بود ـ افطاری خود را کریمانه به مسکین، یتیم و اسیر ایثار می‌کند و در این کار، جز رضای

---

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج۱، ص۹۹.

۲. در این آیات مراد از نذر، ادای سه روز، روزه بود که حضرت علی و فاطمه برای شفای حسنین، به راهنمایی پیامبر نذر کرده بودند (ر.ک: الکشاف، ج۴، ص۶۷۰).

خداوند قصد و نیتی ندارد.[۱]

انفاق‌گری حضرت زهرا علیهاالسلام نیز ریشه در تربیت ویژه آن حضرت به دست پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد. در این زمینه، شواهد بسیاری وجود دارد؛ از جمله محمد بن قیس می‌گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از سفر برمی‌گشت، نخستین کسی که ملاقات می‌کرد، حضرت زهرا علیهاالسلام بود و مدتی طولانی نزد او اقامت می‌کرد. در یکی از سفرها، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از برگشتن بر حضرت زهرا علیهاالسلام وارد شد و مشاهده کرد که آن حضرت دست‌بند، گردن‌بند و گوشواره‌ای به خود آویخته و پرده‌ای نیز بر در منزل نصب کرده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از لحظه‌ای در حالی‌که ناراحتی از سیمای او هویدا بود، از منزل فاطمه علیهاالسلام خارج شد. حضرت فاطمه علیهاالسلام که متوجه ناراحتی پدر شده بود و علت ناراحتی را حدس زده بود، زینت‌آلات خود و پرده را برداشت و نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرستاد و به قاصد گفت: «به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بگو که دخترت سلام رسانده و عرض می‌کند که اینها را در راه خدا انفاق کن». قاصد

---

۱. ر.ک: الکشاف، ج۴، ص۶۷۰؛ لباب التأویل، ج۴، ص۳۷۸؛ المستدرک، ج۶، ص۴۱۲؛ معالم التنزیل، ج۴، ص۴۲۸؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج۴، ص۴۶۶؛ مفاتیح الغیب، ج۳۰، ص۲۴۴؛ فتح القدیر، ج۷، ص۳۴۹؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج۲، صص ۲۲۹ ـ ۳۱۰ در روایات گوناگون.

گوید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با مشاهده این صحنه سه بار فرمود: «پدرش فدایش گردد. دنیا متعلق به محمد و آل محمد نیست...».[۱]

البته، گفتن این مطلب ضروری است که استفاده از وسایل زینتی برای بانوان یا تزیین خانه با پرده و امثال آن اشکالی ندارد و قرآن نیز، استفاده از روزی‌های پاک و زینت‌های دنیا را برای مؤمنان مجاز دانسته است[۲]؛ اما این سیره تربیتی از ناحیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای حضرت زهرا علیهاالسلام به جهت قطع هرگونه وابستگی به دنیا و تعلقات مادی آن بود. حضرت فاطمه علیهاالسلام از این بابت، شخصیتی همانند حضرت علی علیه‌السلام داشت که دارای سیره معیشتی ویژه‌ای بود و به کمترین حد از موهبت‌های زندگانی راضی بود و در همان‌حال، خطاب به عثمان بن حنیف فرمود:

آگاه باش! امام شما از دنیای شما به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید؛ اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری کنید.[۳]

اسماء بنت عمیس به امام سجاد علیه‌السلام عرض می‌کند:

نزد جده‌تان حضرت فاطمه علیهاالسلام بودم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر

---

۱. بحارالانوار، ج۴۳، ص۲۰ به نقل از امالی صدوق با اندک تخلیص.
۲. آنجا که می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا...﴾. (اعراف: ۳۱)
۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

او وارد شد و در گردن او گردن‌بندی از طلا - که علی علیه‌السلام از اندوخته ... برای او تهیه کرده بود - مشاهده کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دختر خود فرمود: «این موضوع که مردم بگویند فاطمه دختر محمد است تو را مغرور نکند، درحالی‌که لباس جباران را به تن کرده‌ای». حضرت، بلافاصله گردن‌بند را از خود جدا ساخته، آن را فروخت و با پول آن برده‌ای خرید و آزاد کرد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از این کار فاطمه مسرور گشت.[1]

و طبق حدیث دیگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «سپاس خدایی را که فاطمه علیهاالسلام را از آتش نجات داد».[2]

نتیجه تربیت عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن بود که وقتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مزرعه فدک را به حضرت زهرا علیهاالسلام بخشید، بدون آنکه تغییری در روحیه آن بزرگوار پدید آید، عواید سالانه آن را در راه خدا انفاق می‌کرد. بنابر برخی تحقیقات، درآمد فدک، سالیانه بالغ بر ۲۴ هزار درهم یا ۲۰ الی ۱۲۰ هزار سکه بوده است که حضرت، هر ساله به اندازه قوت خانوار خود از آن برمی‌داشت و بقیه را بین فقرا تقسیم می‌کرد.[3]

از نتایج انفاق حضرت زهرا علیهاالسلام افزایش مراتب ایمانی

---

۱. بحارالانوار، ج۴۳، ص۲۷ به نقل از صحیفة الرضا.

۲. المستدرک، ج۳، ص۳۶۴.

۳. پژوهشی در مسئله فدک، مرضیه شیرخدایی، ص۱۴ با استفاده از سفینة البحار، قمی؛ بحارالانوار، مجلسی؛ معجم البلدان، حموی و... .

آن حضرت و تکامل بعد معنوی شخصیت ایشان بود؛ به‌گونه‌ای که گرچه در ظاهر، دست آن بانو از موهبت‌های دنیوی کوتاه و خالی ماند و گهگاه خود و فرزندانش گرسنگی را هم تحمل می‌کردند[1]؛ اما در عوض آن بزرگوار نیز همانند حضرت مریم مشمول رزق آسمانی قرار گرفت. در این‌باره روایات بسیاری در دست است.[2]

نمونه‌ای از آن را زمخشری به مناسبت تفسیر آیات مربوط به سرگذشت حضرت مریم نقل کرده است. این حدیث نشان می‌دهد که برای حضرت فاطمه علیها السلام نیز طعام آسمانی نازل می‌شد و گاهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دختر خود سؤال می‌کرد که این طعام از کجا رسیده است، آن حضرت عرض می‌کرد: ﴿**هُوَ مِنْ عِنْدِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ**﴾ (آل عمران: ۳۷)؛ پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله این‌گونه خدا را سپاس گفت:

أَلحَمدُللهِ الَّذِي جَعَلَكِ شَبيهَةَ سَيّدةِ نِساءِ بَني‌إسرائيلَ.[3]

سپاس خدایی را که تو را همانند بانوی برگزیده بنی‌اسرائیل قرارداد.

---

۱. فضائل فاطمة الزهرا علیها السلام، ص۶۴، بحارالانوار، ج۴۳، ص۲۷ به نقل از الخرائج و الجرائح راوندی.

۲. ر.ک: بحارالانوار، ج۴۳، ص۲۹؛ فضائل فاطمة الزهرا علیها السلام، صص۶۶ ـ ۶۸.

۳. الکشاف، ج۱، ص۳۵۹.

شکوه و جلال فاطمه علیهاالسلام در قیامت

روایات بسیاری از شکوه و جلال حضرت فاطمه علیهاالسلام در قیامت خبر می‌دهد. این روایات از سویی بیانگر مقام و منزلت حضرت فاطمه علیهاالسلام نزد خداوند است، از سوی دیگر، قدرت معنوی آن حضرت را در مقابل خلایق در روز محشر نشان می‌دهد، به‌ویژه آنکه با وجود حضرت زهرا علیهاالسلام نوعی صف‌بندی بین دوستداران و دشمنان کینه‌جوی آن بزرگوار نیز به وجود می‌آید.

محب‌الدین طبری از ابوایوب انصاری آورده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

زمانی که قیامت برپا می‌شود، منادی از عرش ندا می‌کند: «ای اهل محشر، سرهای خود را فرو بیاورید و چشم‌ها را ببندید که فاطمه علیهاالسلام، دختر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله از صراط می‌گذرد»؛ پس فاطمه علیهاالسلام درحالی‌که هفتاد هزار کنیز از

حورالعین او را همراهی می‌کنند، مثل برق درخشنده از صراط عبور می‌کند.[۱]

حدیث یادشده، با تعابیر متفاوت، اما مضمون کاملاً مشابه، در مدارک معتبر اهل سنت وارد شده است. حاکم نیشابوری، این حدیث را از قول علی علیه‌السلام و او از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین نقل کرده است: «**اذا کانَ یومُ القیامةِ قیلَ یا اَهلَ الجَمعِ غُضُّوا أبصارَکم وَ تَمُرَّ فاطمِةُ بِنتُ رسولِ الله[صلی‌الله‌علیه‌وآله] فَتَمُرُّ و عَلَیها ریطَتانِ خَضراوانِ**». وی سپس توضیح می‌دهد که این حدیث «صحیح الاسناد» است؛ اما بخاری و مسلم از ذکر آن خودداری کرده‌اند.[۲]

فلسفه این شکوه و جلال چیست که در روز قیامت تجلی پیدا می‌کند؟ در برخی از روایات آمده است که در آن روز حضرت فاطمه علیهاالسلام درحالی‌که پیراهن آغشته به خون فرزندش، حسین بن علی علیهماالسلام را در دست دارد، خدای جبار را به داوری و قضاوت بین او و قاتلان فرزندش فرا می‌خواند و نیز از خداوند شفاعت دوستداران و گریه‌کنندگان بر حسین علیه‌السلام را می‌طلبد.[۳] همچنین مطابق

---

۱. فاطمة الزهرا علیهاالسلام در کلام اهل‌سنّت، ص ۲۶۱ به نقل از ذخائرالعقبی، الصواعق المحرقه، نورالابصار و... .

۲. مسند فاطمة الزهرا و ما ورد فی فضلها، صص۱۲۹، ۱۳۱ و ۱۳۵، نیز ر.ک: السیدة فاطمة الزهرا علیهاالسلام.

۳. فاطمة الزهرا در کلام اهل سنت، ص۲۶۲ به نقل از منابع متعدد از جمله اسدالغابه، کفایه الطالب، میزان الاعتدال و... .

این روایات، همگـان تأویـل ایـن سـخن پیـامبر صلی الله علیه و آله را کـه خطاب به فاطمه علیها السلام فرمود: «**إِنَّ اللهَ یَغضِبُ لِغَضَـبِکِ وَ یَـرضَی لِرِضـاکِ**»[1]، به عیان خواهند دید. در این روایات، همچنـین بر همراهی فاطمه زهرا علیها السلام در ورود بـه بهشـت بـا رسـول خدا صلی الله علیه و آله، علی و حسنین علیهما السلام، نخستین بهشتیان، تأکید شـده و برخی نیز، حاوی بشارت برای شیعیان است. در حدیثی، علی علیه السلام نقل می‌کند:

> رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که نخستین کسانی کـه بـه بهشت پـا مـی‌گذارنـد مـن، فاطمـه، حسـن و حسـین علیهم السلام خواهیم بود. من گفتم: «پس تکلیـف دوسـتداران مـا چـه می‌شود؟» حضرت فرمود: «آنان نیز به‌دنبال شـما خواهنـد بود».[2]

نیز علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضـرت فرمود: «در بهشت، درجـه‌ای اسـت کـه در آن «وسـیله» را طلب کنید». اصحاب سؤال کردند، ای رسول خـدا صلی الله علیه و آله چـه کسانی با تو [و در آن درجه همراه شما] هستند؛ حضـرت فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام».[3]

---

۱. مسند فاطمة الزهرا و ما ورد فی فضلها، ص۱۷۶.

۲. همان، صص ۱۶۷و ۱۱۸.

۳. همان، صص۱۶۷ و ۱۶۸.



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الف) سیمای معنوی حضرت زهرا علیهاالسلام از طریق بررسی آیات قرآن و بهره‌گیری از روایات تفسیری و غیرتفسیری که در منابع معتبر حدیثی، تفسیری، سیره و تاریخ اهل سنت وارد شده، به نحو جامع، قابل بررسی و شناخت است.

ب) براساس آیات قرآن و روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، فاطمه زهرا علیهاالسلام از جنبه‌های گوناگون، از جمله اراده الهی در چگونگی خلقت وی، برخورداری از تربیت مستقیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، توفیق همسری با علی علیه‌السلام و در نتیجه بقای نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، برخورداری از شرافت مادری نسبت به حجت‌های الهی و...، شخصیتی برگزیده و مؤید به توفیق الهی بود.

ج) حضرت زهرا علیهاالسلام محور اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، محبوب‌ترین انسان نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، سرور بانوان دو عالم، معصوم از هر لغزش و خطا، معیاری در تجلی رضا

و خشم الهی، تجسم تقوی و معنویت، الگویی شایسته برای به کمال رسیدن انسان در دنیا و وسیله‌ای دلسوز و مهربان برای شفاعت و نجات مؤمنان در آخرت به‌شمار می‌رود.

د) حضرت فاطمه علیهاالسلام در چهارچوب عمل به ضوابط شرعی، الگوی عملی انجام همه عبادات اسلامی است. در عین حال مداومت بر نماز، سخاوتمندی در انفاق، ایثار و مقدم داشتن دیگران برخود و جهاد فکری و عملی در مقابله با ظلم و باطل، از مهم‌ترین محورهای عبادت در سراسر دوران حیات او به شمار می‌رود.

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الـدین سـیوطی، منشـورات رضـی، بیدار، عزیزی، ۱۳۶۳ه.ش.

۲. الاحتجـاج، احمـد بـن علـی طبرسـی، بیـروت، مؤسسـة الاعلمـی للمطبوعات، ۱٤۱۰ه.ق

۳. احراق بیـت فاطمـه فـی الکتـب المعتبـرة عنـد اهـل السـنه، حسـین غیب غلامی، مطبعة الهادی، ۱۳۷۵ه.ش.

٤. اسـدالغابة فـی معرفـة الصـحابه، ابـن اثیـر، بیـروت، دارالکفـر، ۱٤۰۹ه.ق.

۵. اعـلام الهدایـه، لجنـة التحقیـق، المجمـع الجهـانی، مرکـز الطباعـة والنشر، ۱٤۲۲ه.ق.

٦. اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تحقیـق و نشـر مؤسسه آل‌البیت، ۱٤۱۷ه.ق.

۷. آفاق تفسیر، محمد علی مهدوی راد، نشر هستی نما، ۱۳۸۲ه.ش.

۸. الامالی، شیخ صدوق، قم، مؤسسة البعثه، ۱٤۱۷ه.ق.

۹. الامامـة و السیاسـه، ابـن قتیبـه دینـوری، قـم، منشـورات رضـی، ۱۳٦۳ه.ش.

۱۰. انوار التنزیل و اسرار التاویل، ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱٤۰۸ه.ق.
۱۱. بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفا، ۱٤۰۳ه.ق.
۱۲. البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، بیروت، دارالمعرفه ۱۳۹۱ه.ق.
۱۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی، بیروت، دارالزهرا، ۱٤۰۸ه.ق.
۱۴. تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، بیروت، دار صادر، [بی‌تا].
۱۵. التبیان الجامع لعلوم القرآن، محمد بن حسن طوسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۱٦. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، قم، مؤسسة التمهید، ۱٤۲٥ه.ق.
۱۷. تفسیر القرآن الحکیم مشهور به تفسیر المنار، سید محمد رشید رضا و شیخ محمد عبده، بیروت، دارالفکر، [بی‌تا].
۱۸. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، بیروت، دارالمعرفه، ۱٤۰۹ه.ق.
۱۹. تفسیر المراغی، احمد مصطفی مراغی، بیروت، دارالفکر، [بی‌تا].
۲۰. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷٤ه.ش.
۲۱. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، قم، مطبعه مهر، ۱۳۹٦ه.ق.
۲۲. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، بیروت، دارالفکر، ۱٤۰٤ه.ق.

۲۳. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالمعرفه، [بی‌تا].
۲٤. الجامع الصحیح، مسلم بن حجاج نیشابوری، به تصحیح فؤاد عبدالباقی، بیروت، ۱۳۷٤ه.ق.
۲۵. حیاة فاطمه علیهاالسلام، محمود شلبی، بیروت، دارالجیل، ۱٤۰۹ه.ق.
۲٦. خصائص الزهراء، سید ساجد مکی، بیروت، دارالولاء، ۱٤۲٤ه.ق.
۲۷. خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعیب نسایی، قم، دارالثقلین، ۱٤۱۹ه.ق.
۲۸. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۳م.
۲۹. روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی، سید محمود آلوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱٤۰۵ه.ق.
۳۰. الزهراء فاطمة بنت محمد، عبدالزهرا عثمان محمد، بیروت، دارالفردوس، ۱٤۱۰ه.ق.
۳۱. سخنی شیوا در برتری حضرت زهراء، سید عبدالحسین شرف الدین، به ترجمه محمدرضا مهری، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۳ه.ش.
۳۲. السیدة فاطمة الزهراء، محمد بیومی مهران، بیروت، المکتب العصریه، ۱٤۱۷ه.ق.
۳۳. سیرة المصطفی، هاشم معروف حسنی، قم، منشورات رضی، ۱٤۱۳ه.ق.
۳٤. السیرة النبویه، ابن هشام، بیروت، دارالقلم، [بی‌تا].
۳۵. شخصیت حضرت زهرا علیهاالسلام در قرآن از منظر اهل سنت، محمد یعقوب بشوی، بوستان کتاب، ۱۳۸٦ه.ش.

۳۶. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸هـ.ق.

۳۷. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البیت علیهم‌السلام، عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۳هـ.ق.

۳۸. الصحیح، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالقلم، ۱٤۰۷هـ.ق.

۳۹. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱٤۱۷هـ.ق.

٤۰. علل الشرایع، محمد بن علی (شیخ صدوق)، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱٤۰۸هـ.ق.

٤۱. علوم بلاغت و اعجاز قرآن، یدالله نصیریان، انتشارات سمت، ۱۳۷۸هـ.ش.

٤۲. غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام الدین نیشابوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱٤۱٦هـ.ق.

٤۳. فاطمة الزهراء در کلام اهل سنت، سید مهدی هاشمی، انتشارات حر، ۱۳۷٦هـ.ش.

٤٤. فاطمة الزهراء شخصیتها، ظلامتها، شیخ محمد هنداوی، بیروت، مؤسسة العارف للمطبوعات، ۱٤۲۳هـ.ق.

٤٥. فاطمة الزهراء فی القرآن، سید صادق حسینی شیرازی، بیروت، مؤسسة الفکر الاسلامی، ۱٤۱۱هـ.ق.

٤٦. فاطمة بین النبوة و الامامة، کمال معاش، بیروت، دارالعلوم، ۱٤۲٤هـ.ق.

٤۷. فاطمه کوثر قرآن، محمد احسانی فر لنگرودی، نشریه علوم حدیث، پاییز ۸۲، شماره ۲۹.

۴۸. فتح القدیر الجامع بین فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر، محمد بن علی شوکانی، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا].

۴۹. فضائل اهل البیت من فضائل الصحابه، احمد بن حنبل، به تحقیق: محمد کاظم محمودی، [بی جا]: انتشارات مجمع التقریب المذاهب، ۱۴۲۹ه.ق.

۵۰. فضائل فاطمة الزهراء، ابوحفص عمر بن احمد، ابن شاهین، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۲ه.ق.

۵۱. قرآن در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ه.ق.

۵۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ه.ش.

۵۳. الکشاف عن غوامض التنزیل، محمود بن عمر زمخشری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ه.ق.

۵۴. لباب التاءویل، علاءالدین علی بن محمد خازن.

۵۵. مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، مجید معارف، تهران، نبأ، ۱۳۸۲ه.ش.

۵۶. المبادی العامة لتفسیر القرآن کریم، محمد حسین علی الصغیر، بیروت، دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ه.ق.

۵۷. مجمع البیان لعلوم القرآن، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ه.ق.

۵۸. مدارك التنزیل و حقایق التأویل، عبدالله بن احمد نسفی، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۶ه.ق.

۵۹. المستدرك علی الصحیحین، محمد بن عبد الله حاکم نیشابوری، بیروت، دارالکتب العلمیه.

٦٠. مسند فاطمه الزهرا و ما ورد فی فضلها، جلال الدین سیوطی، بیروت، دار ابن حزم، ١٤١٤هـ.ق.

٦١. المسند، احمد بن حنبل، بیروت، بیت‌الافکار الدولیه، ٢٠٠٥م.

٦٢. معالم التنزیل، حسین بن مسعود فراء بغوی، بیروت، دارالمعرفه، ١٤١٥هـ.ق.

٦٣. مفاتیح الغیب، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، دارالمعرفه، [بی‌تا].

٦٤. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، انتشارات مرتضوی، ١٣٦٢هـ.ش.

٦٥. مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری، تصحیح: هلموت ریتر، چاپ سوم، [بی‌جا]، فرانز شتاکیز، ١٤٠٠هـ.ق.

٦٦. الملل و النحل، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، بتخریج محمد بن فتح الله داران، مصر، [بی‌جا]، ١٣٧٥هـ.ق.

٦٧. مناقب اهل البیت، ابن المغازلی، [بی‌جا]، المجمع العالمی لتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ١٤٢٧هـ.ق.

٦٨. مناهل العرفان فی علوم القرآن، محمد عبدالعظیم زرقانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].

٦٩. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ١٤٠٣هـ.ق.

٧٠. نقد اخبار ازدواج مجدد امام علیعلیه‌السلام در زمان پیامبر، مقالات و بررسی‌ها، رضیه سادات سجادی، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ٨٢، زمستان ٧٤.